

الحمد لله
الرحمن
الرحيم

فرہنگ باعزم ملی و مدیریت جہادی

دکلام رہبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت امام خامنہ ای «مدظلہ العالی»



فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: سلمان شایان فر
لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه)
قطع: پالتویی

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۳
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰ ریال

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان جمهوری، بین کوچه ۱۶ و ۱۸ پ ۴۸
مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی اوقاف
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۲ نمابر: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۳

غیر قابل فروش

فهرست مطالب

مقدمه

۱۰

دفتر اول: فرهنگ

۱۳

۱۳

مفهوم فرهنگ

۱۳

چرایی پرداختن به مقوله فرهنگ

۱۵

فرهنگ عمومی و بخش های آن

۱۶

نقش و ضرورت فرهنگ

۱۷

فرهنگ مثل آب و هواست

۱۷

فرهنگ مثل روح درکالبد بزرگ انسانی و اجتماعی

۱۷

فرهنگ مثل هواست

۱۸

میلان بازی در زمینه ی فرهنگ عمومی

۱۸

فرهنگ مایه ی هویت ملت ها

۱۸

فرهنگ، مسأله ی اول نظام

۱۹

فرهنگ ستون فقرات

۹۱

غفلت از تأثیر تعیین کننده فرهنگ

۲۰

ارزیابی مجدد فرهنگ

۲۰

فرهنگ انقلاب

۲۰

حفظ فرهنگ خودی سیاست کلی فرهنگ

۲۲

دفتر دوم: تهاجم فرهنگی

۲۲

مفهوم تهاجم فرهنگی

۲۳

وجه تسمیه تهاجم فرهنگی

۲۳

تاریخچه تهاجم فرهنگی

۲۴

سیر رویارویی انقلاب اسلامی ایران با تهاجم فرهنگی

۲۴

شروع تهاجم فرهنگی در اواسط دوران دفاع مقدس

۲۵

توجه به مسأله ی تهاجم فرهنگی

۲۵

علت تمرکز دشمن بر روی فرهنگ

۲۶

تهاجم فرهنگی حقیقت است

۸۲

تهاجم فرهنگی خیالات نیست!

- ۲۸ تهاجم فرهنگی یک واقعیت است
- ۲۹ وادادگی مدیران عامل انحراف دستگاه‌های فرهنگی
- ۳۰ تهاجم فرهنگی و طلب مبارز
- ۳۰ تهاجم فرهنگی خطر اصلی بعد از انقلاب
- ۳۰ سنگباران کردن تابلوی تهاجم فرهنگی
- ۳۱ نگرانی از کم‌کاری در محیط کار فرهنگی اسلام
- ۱۳ درخواست از شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۳۲ هدف تهاجم فرهنگی
- ۳۳ مقاومت شکنی هدف دیگر تهاجم فرهنگی
- ۳۴ تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی
- ۳۵ خاصیت زدایی انقلابی
- ۳۶ شبیخون فرهنگی
- ۳۶ غارت فرهنگی
- ۳۷ روش‌های نوین تهاجم فرهنگی
- ۳۸ اصل در تهاجم فرهنگی
- ۳۸ عمیق‌ترین معارضة غرب با نظام اسلامی
- ۳۹ گستره تهاجم فرهنگی دشمن
- ۳۹ اوج تهاجم فرهنگی
- ۳۹ ویژگی‌ها و راه‌های تهاجم فرهنگی
- ۴۰ راز صف‌آرایی فرهنگی علیه اسلام
- ۴۰ تهاجم فرهنگی تهدیدگر سلامت جوامع اسلامی
- ۴۱ شناخت تهاجم دشمن بخشی از توان دفاعی کشور
- ۴۱ تفاوت تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی
- ۴۲ آثار تهاجم فرهنگی و تقلید نابجا از فرهنگ غرب
- ۴۳ گرفتن جوانها تلاش دشمن برای قتل عام فرهنگی
- ۴۳ تبادل فرهنگی
- ۴۴ تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی

دفتر سوم: جنگ نرم

- ۴۶ مفهوم جنگ نرم
- ۴۶ چیستی و چرایی جنگ نرم

- ۴۷ بدبینی و بددلی ابزار جنگ نرم
- ۴۷ جنگ نرم؛ تحرک جنگی نوین دشمن
- ۴۸ استدلال دشمن برای حمله فرهنگی به ایران
- ۴۹ میدان‌داران جنگ نرم
- ۵۰ مهارت ستودنی مردم برای مقابله با جنگ نرم
- ۵۵ فرماندهی جنگ نرم توسعه فرهنگ مجاهدت
- ۵۱ افسران جنگ نرم
- ۵۲ افسران جوان جبهه‌ی جنگ نرم
- ۵۳ نقش افسران جوان در مقابله‌ی با جنگ نرم
- ۵۳ نقش دانشجو در جنگ نرم
- ۵۴ جنگ نرم و اختلاف افکنی مذهبی و حزبی
- ۵۵ دگرگونی واقعیات خط اصلی دشمن در جنگ نرم
- ۵۶ غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور

۷۵ دفتر چهارم: جهاد

- ۷۵ جهاد فی سبیل الله عامل کرامت و عزت
- ۵۸ جهاد یعنی مبارزه
- ۵۸ جهاد یعنی تلاش برای مقابله با دشمن
- ۵۹ انواع جهاد
- ۶۰ جهاد فکری
- ۶۰ جهاد علمی و عملی
- ۶۱ قدرت تحلیل سیاسی، جهاد علمی، علم و دین
- ۶۱ جهاد متقوم بر دو رکن جد و جهد و مقابل دشمن بودن
- ۶۲ جهاد حقیقت زندگی است
- ۶۲ جهاد در اولین ردیف فهرست کارهای واجب
- ۶۲ جهاد ابزاری برای تسریع در رسیدن به اهداف الهی
- ۶۳ شیخ مفید و ابعاد جهاد علمی
- ۶۴ جهاد علمی، رسالت اول دانشگاهیان
- ۶۵ زنده‌نگاه داشتن جهاد مسئولیت رهبری
- ۶۵ بسیج عرصه جهادی است
- ۶۶ مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت

- ۶۶ جهاد و شهادت دو فصل بزرگ حرکت بسیجی
 ۶۷ شروط لازم برای جهاد
 ۶۷ همه عرصه‌های زندگی عرصه‌ی جهادی است
 ۶۸ جهاد در همه میدان‌ها جاریست
 ۶۸ جهاد معنوی و جهاد اکبر وظیفه بزرگ ملت ایران
 ۶۸ موانع جهادی؛ سنتی الهی
 ۶۹ دشوارترین نوع جهاد و مبارزه
 ۶۹ جهاد برای چی؟ برای کی؟ چه زمانی؟
 ۷۰ بهره‌های جهاد فی سبیل الله
 ۷۱ مجاهدت فقط برای خدا
 ۷۱ پیروزی قطعی در گرو مجاهدت فی سبیل الله

۷۳ دفتر پنجم: جهاد فرهنگی

- ۷۳ جهاد فرهنگی واجب‌تر از واجب
 ۷۳ جنگ فرهنگی
 ۷۴ جنگ فرهنگی عرصه‌ای فراگیر و پیچیده
 ۷۴ جهاد فرهنگی پایه و اساس سایر جهادها
 ۷۴ تبلیغات و جنگ فرهنگی
 ۷۵ جهاد برای اسلامی سازی فضای فرهنگی جامعه
 ۶۷ جهاد فرهنگی، جهاد با سلطه یا جهاد بر سلطه؟!
 ۷۷ نمونه‌های جهاد فرهنگی علیه اسلام
 ۷۷ بسیج و جهاد فرهنگی
 ۷۹ مبلغان فرهنگی و جریان کارزار فکری فرهنگی
 ۸۰ مجاهدت فرهنگی علماء
 ۸۰ شهید فرهنگی
 ۸۱ شورای عالی انقلاب قرارگاه فرهنگی
 ۲۸ مجاهدت فرهنگی برای ایجاد اندیشه‌ی صحیح

۸۳ دفتر ششم: عزم ملی

- ۸۳ عزم ملی، شجره طیبه انقلاب اسلامی
 ۸۴ عزم ملی مصنوع ید قدرت الهی

- ۸۴ عزم ملی، صراط مستقیم انقلاب اسلامی
- ۸۴ عزم ملی رمز بطلان انزوای دین از زندگی اجتماعی
- ۸۵ انفعال دشمن در گرو عزم ملی
- ۸۵ ذخایر معنوی پشتوانه‌ای مستحکم برای عزم ملی
- ۸۵ عزم ملی و پاسخگویی به ترفندهای دشمنان
- ۶۸ عزم ملی سنگر فتح و نصرت
- ۸۶ عزم ملی در حوزه فرهنگ چیست؟
- ۸۷ عزم ملی، اعتماد به نفس ملی و عزت ملی
- ۸۸ عزم ملی رمز شکوفایی ملی
- ۸۸ عزت ملی با عزم ملی
- ۹۸ اقتدار ملی با عزم ملی
- ۰۹ امام خمینی (ره) و معماری عزم راسخ مردم
- ۹۰ عزم راسخ بسان هوای خوش بهاری
- ۹۱ عزم ملی نیروی نگهبان انقلاب
- ۹۱ عزم ملی رمز استحکام و اقتدار نظام
- ۹۲ عزم ملی زمینه‌ساز ساخت قرآنی جامعه
- ۹۲ آمادگی‌های معنوی مقدمه قدرت عزم ملی
- ۳۹ سعادت دنیوی و اخروی با اراده‌ی مستحکم ملی
- ۳۹ آگاهی، بصیرت و ایستادگی ملی
- ۹۴ عزم ملی رمز فتح قله‌های پیشرفت
- ۹۴ عزم ملی و همت ملی راز جبران عقب‌ماندگی‌هاست
- ۹۵ امید و انگیزه نمایشی از عزم ملی
- ۹۵ عزم ملی بخشی از هویت جمهوری اسلامی ایران
- ۹۶ عزم ملی پشتوانه رهبری در جلوگیری از انحرافات
- ۹۷ عجز دشمن از فهم عزم ملی ملت ایران
- ۹۷ تفوق بر امواج طوفانی دنیای استکبار با عزم ملی
- ۹۷ مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی
- ۹۸ شهدا و ایثارگران پیشرو و پیشگام در عزم ملی
- ۹۸ پیش‌بری نظام با عزم و نیت ملی
- ۹۸ عزم ملی و فتح قله‌های آرزو
- ۹۹ نمایندگان مجلس پیشاهنگان عزم ملی مردم ایران

مرجفون در مقابل عزم ملی

۱۰۰

دفتر هفتم: مدیریت جهادی

۱۰۱

مفهوم کار جهادی

۱۰۱

مدیریت جهادی لوکوموتیو حرکت رو به جلوی کشور

۱۰۱

شاخصه‌های مهم مدیریت جهادی

۱۰۲

مدیریت جهادی گره‌گشای مشکلات کشور

۱۰۲

عمل مجاهدانه لازمه مسئولیت

۱۰۳

فرهنگ جهادی محصول تفکر انقلابی

۱۰۳

غفلت از روحیه جهادی ضعف اساسی ما

۱۰۴

توجه به اصول شورانگیز انقلابی و اسلامی

۱۰۴

مفهوم تلاش مجاهدت‌آمیز و سخت

۱۰۴

ترکیب تدبیر با مجاهدت

۱۰۵

محصول مجاهدت و تلاش

۱۰۶

مدیریت جهادی در حوزه اقتصاد

۱۰۶

لزوم توجه به عمل جهادی در دانشگاه

۱۰۷

مدیریت جهادی گونه‌ی دیگر مدیریت

۱۰۷

حرکت جهادی رمز رهایی از سلطه استعمارگران

۱۰۸

اردوهای جهادی مدلی برای مدیریت جهادی

۱۰۸

هدفمندی و هوشمندی لازمه‌ی کار جهادی

۱۰۸

دفتر هشتم: چه باید کردهای فرهنگی؟

۱۱۰

تقویت دینمداری با انجام کارهای عمقی و ماندگار

۱۱۰

تکریم عناصر خودی

۱۱۱

پاسداشت سرمایه‌های معنوی و منابع قدرت

۱۱۱

راه‌اندازی نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری

۱۱۲

تهذیب نفس

۱۱۳

شناخت تهاجمات فرهنگی قبل از ورود

۱۱۳

مقابله هوشمندانه با ارتقای تربیت عقلانی و رشد دینی

۱۱۴

فرهنگ اسلامی عامل پیشرفت و ترقی

۱۱۴

پیگیری تهاجم فرهنگی به لحاظ علمی و اصولی

۱۱۵

- ۱۱۵ هشیاری، پرهیز از غرور و غفلت در برابر کید دشمنان
- ۱۱۶ عمق‌نگری به جای سطحی‌نگری
- ۱۱۷ قرارگاه اصلی و راهبردی سیاست‌گذاری فرهنگی
- ۱۱۷ راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار
- ۱۱۷ تقویت مهارت‌های دینی
- ۱۱۸ تقوا موجب رحمت الهی
- ۱۱۸ تقویت اقتدار فرهنگی کشور
- ۱۱۸ تقویت امنیت فرهنگی
- ۱۱۹ پاسخگو بودن دستگاه‌های فرهنگی
- ۱۲۰ توجه به عبادات ناب و خالص
- ۱۲۰ تقوا سپر دفاعی تهاجم فرهنگی
- ۱۲۱ سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس فرهنگ انقلابی
- ۱۲۱ امر به معروف و نهی از منکر واجب فراموش شده
- ۱۲۲ جهاد فرهنگی؛ پشتوانه جهاد نظامی و سیاسی
- ۱۲۲ وحدت لازمه جهاد
- ۱۲۳ مجاهدت فرهنگی پیام انقلاب به دل‌های مشتاق
- ۱۲۳ توجه ویژه جوانان به راه‌های مقابله با جنگ نرم
- ۱۲۵ مجاهدت علمی، سیاسی و قدرتمندانه
- ۱۲۵ تلاش مضاعف فرهنگی برای اسلامی‌سازی فرهنگ
- ۱۲۶ صف‌آرایی فرهنگی در مقابل اندیشه‌های معارض
- ۱۲۷ آرایش فرهنگی؛ آرایشی دینی، اسلامی و انقلابی باشد
- ۱۲۷ تقویت فرهنگ ابتکار و تلاش
- ۱۲۷ ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله
- ۱۲۷ توجه به فرهنگ کار
- ۱۲۸ تقویت فرهنگ کار
- ۱۲۹ لزوم توجه به روح کار نه نفس و ماده‌ی کار
- ۱۲۹ وجود کار و کارگر رمز استقلال ملت و کشور
- ۱۳۱ مسئولیت‌پذیری متعهدانه نسبت به انجام امور
- ۱۳۲ توجه ویژه به فرهنگ

مقدمه

نامگذاری سال ۱۳۹۳ از سوی رهبر فرزانه انقلاب و دیده‌بان همیشه بیدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به نام «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» سرفصل نوینی در مناسبات ملی و مدیریتی کشور خلق نمود؛ به گونه‌ای که مربع راهبردی اقتصاد، فرهنگ، عزم ملی و مدیریت جهادی به عنوان کلیدواژه‌گان اصلی این شعار که هر کدام در فقه و آموزه‌های دینی ما از جایگاهی ژرف برخوردار هستند، به عنوان متغیرهای اصلی نظام مدیریتی کشور در عرصه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مسئولیت‌سنگینی را بر عهده مدیران، سیاست‌گذاران و کارگزاران حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی گذارده است. در این میان کارگزاران سازمان اوقاف و امور خیریه می‌بایست در راستای تحقق مطالبه راهبردی مقام معظم رهبری مبنی بر تبدیل بقاع و اماکن متبرکه مذهبی کشور به عنوان قطب فرهنگی، با عزم ملی و مدیریتی جهادی در فراگیر شدن شعائر مذهبی و تسری فرهنگ معنوی، ارتباط مردم با امامزادگان و احیای فرهنگ حسنه و ماندگار وقف مسئولیت مضاعفی بر عهده دارند.

تدقیق در مفهوم جهاد و انطباق آن با آموزه‌های فقهی نشان می‌دهد اگرچه این واژه در فقه شیعه به مفهوم مبارزه با دشمنان اسلام است، اما در ادبیات انقلاب اسلامی یک مفهوم عرفی نیز بر آن مترتب است که از همین تعریف فقهی استنباط شده و به رستن انسان از تعلقات دنیوی و تلاشی فراگیر و همه‌جانبه با شاخص‌هایی چون ایثار و فداکاری، شجاعت و جوانمردی برای اعتلای توحید کلمه و کلمه توحید و تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی اطلاق یافته است. از این رو مدیر جهادی با مجاهدتی مومنانه و مخلصانه در رفع

موانع پیشرفت و توسعه نظام اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و انگیزه‌های الهی و معنوی در کنار انگیزه‌های مادی متعارف از او انسانی وارسته و مدیری دلسوز در تراز انقلاب به جامعه معرفی می‌نماید.

هشدار مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۹ نسبت به هجوم همه جانبه دشمن برای سست کردن پایه‌های اعتقادی مسلمین و در رأس آنها به مخاطره انداختن اهداف والای نظام اسلامی تحت عنوان تهاجم فرهنگی و فراز و فرودهای آن که به ترتیب به شیخون فرهنگی، غارت فرهنگی، قتل عام فرهنگی و نهایتاً در شرایط فعلی به جنگ نرم انجامیده است، می‌طلبد با رهیافت‌های فرهنگی شیعی و با اراده‌ای همگانی و عزمی ملی در تراز مدیران انقلابی یعنی مدیریت جهادی به در مصاف با نبرد اراده‌ها، اراده اصیل و ناب شیعی را با هنر اصیل اسلامی و با الهام از تمدن نبوی و علوی در قالب حکمت و علم و عمل به جهانیان عرضه داشت و غبار ناشی از تبلیغات مسموم و زهرآگین دشمنان را که با تمام توان و ابزار علیه انقلاب اسلامی بسیج شده است، از چهره تابناک آئین و حیانی زدود.

بدیهی است تعظیم شعائر و بازمهندسی فرهنگی در حوزه‌های زیارت، اماکن متبرکه مذهبی، موقوفات و احیای فرهنگ حسنه و وقف می‌تواند در سید فرهنگی و در کانون خانواده‌های عاشق و دل‌باخته عاشورایی با ترکیب مناسب سه مقوله مهم عقلانیت، معنویت و عدالت به عنوان زیرساخت‌های اندیشه‌ای کارگزاران مظهر اعمال مدیریت جهادی با بسیج عمومی و هدفگذاری ملی، کیدهای دشمنان را خنثی ساخته و در دستیابی ایران اسلامی به تراز اول خاورمیانه در افق چشم‌انداز بیست ساله موثر واقع شود.

کتاب حاضر که گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در عرصه‌های فرهنگی و جهادی است در هشت دفتر تقدیم شما خوبان می‌گردد؛ بدیهی است مدیران تراز انقلاب با الهام از فرهنگ دینی و در سایه تمسک به رهنمودهای گران‌بهای امام عزیز حاضر در نشر گفتمان دینی و ولایی و بازنشر گفتمان انقلاب اسلامی و توسعه آن در میان آحاد مردم مسئولیت سنگینی بر عهده دارند که از این رهگذر می‌توانند بر اساس راهبردهای چهارگانه شعار سال در تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی کشور و

تحول اقتصادی در عرصه موقوفات به ویژه با نگاهی فراگیر، مدیریتی جهادی و با بسیج مردم به فرهنگ سازی، اعتلا و گسترش این مهم کمک شایانی بنمایند. از این رو انتظار می رود با مطالعه دقیق، برنامه ها و پیشنهادی فرهنگی و عملیاتی خود را برای اجرایی کردن در این حوزه به معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان ارائه نمایند. مدیران فرهنگی شاغل در سازمان باید بدانند که در هر کجای کشور و در هر سطحی از مدیریت که قرار دارند، مجموعه تحت مدیریت آنها به تعبیر مقام معظم رهبری و امام المسلمین سنگری است برای مقابله با دشمن و خنثی ساختن توطئه های آنها. امروز که عرصه نبرد از جنس فرهنگی و به نام جنگ نرم تعبیر شده است، لازم است مدیران سازمان اوقاف در طراحیها، هدفگذاریها و برنامه های اجرایی، توسعه و ترویج فرهنگ دینی را با شاخص های مدیریت جهادی سرلوحه برنامه های خود قرار داده و در مصاف با دشمنان عرصه دین و فرهنگ و در مسیر اعتلای فرهنگ دینی از هیچ تلاشی فروگذار ننمایند. معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان نیز صمیمانه در این مسیر مقدس دست های مهربان شما را به یاری فرامی خواند و منتظر پیشنهادها و برنامه های شما در عمل به رهنمودهای مقام معظم رهبری می باشد. چرا که به تعبیر عارف روشن ضمیر و معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه: «راه اصلاح یک مملکتی، [اصلاح] فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود... اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه ها باید طرح بشود. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگی است.»

صحیفه امام، جلد ۱۰، صفحه ۳۵۶.

و ما توفیقی الا بالله

معاون فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه

تهران: اردیبهشت ۱۳۹۳ ه.ش

دفتر اول: فرهنگ

مفهوم فرهنگ

مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند تسریع، یا کند می‌کند این، حداقل نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده و جهت‌دهنده به همه‌ی رفتارهاست.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۷۸/۲۳/۰۹

چرایی پرداختن به مقوله فرهنگ

برای اینکه مسئله، کاملاً محسوس شود و آن نگرانی که در ذهن بنده است، بیشتر واضح گردد که چرا گاهی اوقات به این مسئله، زیاد می‌پردازم یک جبهه‌ی جنگ را فرض بفرمایید که یک مجموعه سرباز، با فداکاری، با قدرت تصمیم، با اراده و با ایستادگی می‌جنگند؛ مثل جنگی که ما هشت سال در جبهه داشتیم. در آن زمان، شما وارد منطقه‌ای می‌شدید، می‌دیدید یک‌مشت جوان مؤمن حزب‌اللهی فداکار از جان گذشته، ایستاده‌اند و مبارزه می‌کنند. از هر کدام سؤال می‌کردید چرا مبارزه می‌کنید؟ می‌گفت: «وظیفه‌ی من است. امام گفتند، دستور دینی من است. دشمن به کشور من تجاوز کرده، مرزها و ناموس مرا

تهدید می‌کند؛ ما ملت زنده‌ای هستیم و باید از خودمان دفاع کنیم!» او مجموعه‌ای از باورهای ذهنی را برای شما در میان می‌گذارد که اعتقاد به خدا، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به شهادت، اعتقاد به دستور امام، لزوم اطاعت از امام، اعتقاد به متجاوز بودن این دشمن، اعتقاد به اینکه من ملتی هستم که باید از خودم دفاع کنم، در آن هست. این مجموعه‌ی در هم آمیخته‌ی درهم‌تنیده‌ی اعتقادات دینی و این‌ها در بیان او بروز می‌کند. شما می‌بینید که این اعتقادات موجب شده است تا این جوان بایستد، از آسایش خانه‌اش، از زندگی، از تحصیل و دانشگاهش دست بکشد، به جبهه برود و جان خودش را به خطر بیندازد؛ احیاناً هم کشته یا مجروح شود و تا آخر عمر با آن بسازد که الآن روی چرخ، تعدادی از آن‌ها را مشاهده می‌کنید.

حالا اگر در همین حالی که این جوان در این میدان با این حرارت می‌جنگد، یک نفر بیاید، بنا کند در این باورها خلش‌ه کردن و مثلاً بگوید: «اینکه شما می‌گویید این دشمن، متجاوز است، چه تجاوزی؟ ما اول حمله کردیم!» شروع کند در ذهنیت او رخنه کردن و اعتقاد او را به متجاوز بودن این دشمن و به فضیلت و ارزش شهادت، ضعیف کند، اعتقاد او را به اینکه وقتی امام دستور داد، باید دستور امام عمل شود، تضعیف کند؛ اعتقاد و باور او را به اینکه یک فرد باید از کشور، از میهن و از مرزهای خودش دفاع کند، ضعیف کند؛ خوب، شما ببینید این جوان مؤمن آماده‌ای که مثل گلوله‌ی سوزانی به سمت سینه‌ی دشمن حرکت می‌کرد، با این تبدیل باورها تبدیل به چه می‌شود؟! به یک موجود پشیمان، متزلزل، مردّد و احیاناً پشت به جبهه کرده، تبدیل می‌شود. یعنی همین آدم، همین شخصیت، با همان استعدادها، با همان قدرت بدنی، با همان هوش، با همان توانی که از لحاظ جسمانی و مغزی و قدرت اراده و تصمیم‌گیری داشت، با تبدیل محتوای ذهنی خودش، از یک موجود فعال پیشرو اثرگذار، تبدیل به یک موجود منفعلِ منهزم می‌شود. این امر بسیار واضحی است.

فرهنگ عمومی و بخش‌های آن

فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش، امور و مسائلی است که بارز و ظاهر و جلو چشم است و حقیقتاً هم در سرنوشت یک ملت دخالت دارد؛ اما در دراز مدت تأثیر می‌کند. یعنی در مسیر زندگی و حرکت‌های آینده‌ی یک ملت تأثیر دارد. مثلاً شکل لباس و چه پوشیدن و چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن، جزو مصادیق و نمونه‌های بارز فرهنگ عمومی جامعه است. یا شکل معماری در جامعه و در چگونه خانه‌ای زندگی کردن، بخشی از فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد. زیرا خانه‌های قدیمی ما یک نوع خانواده و خُلقیات بار می‌آورند (حیاط بزرگ، حوضی در وسطش و اتاق‌هایی در اطراف. از این اتاق پدر بزرگ در می‌آید و از آن اتاق دایی و از آن یکی هم عمو. بچه‌های خانواده، همه دور هم و بر یک سفره جمع می‌شوند و در واقع، این خانه است که خانواده را به دنبال خود می‌کشد) و آپارتمان نوعی دیگر از خانواده ایجاد می‌کند. حتی شکل در و پنجره و ارتباط اتاق‌ها باهم، به ناچار تأثیر خاصی بر ذهن و خُلق و منش و تربیت افراد دارد. از این رو، امروز- خوشبختانه- می‌بینیم که در تلویزیون و میزگردها و گفتارها، بر معماری سنتی ایرانی تکیه می‌شود. در کردارها نمی‌دانم چگونه است. ولی به هر حال، آنچه معلوم است اینکه، این ملت کهن و بزرگ، قبل از اینکه از سبک معماری اروپایی تأثیر بپذیرد، خودش یک سبک معماری خاص داشته است. خوب؛ این‌ها از موارد فرهنگ عمومی است که فراوان است و تأثیراتش بر سرنوشت این ملت، بلند مدت است. چون به هر حال، هر نوع لباس، هرگونه رفتار، هر شکل نشستن بر سفره، هرگونه سخن گفتن دو نفر در مواجهه‌ی با همدیگر و مسائلی از این قبیل، تأثیراتی انکار ناشدنی در شکل‌گیری شخصیت افراد یک جامعه دارد. لکن نه در کوتاه‌مدت؛ در بلندمدت.

بخش دوم از فرهنگ عمومی، آن است که مانند بخش اول در سرنوشت یک ملت تأثیر دارد؛ اما تأثیراتش فوری و بسیار محسوس است. یعنی خودِ امور مربوط به این بخش از فرهنگ عمومی، چندان

محسوس نیست؛ لکن تأثیراتش در جامعه و سرنوشت و مسیر آن، بسیار محسوس است. از جمله‌ی این امور و در واقع عمده‌ترین آن‌ها، اخلاقیات است؛ اخلاق فردی و اجتماعی مردم یک جامعه، فرض بفرمایید افراد یک جامعه، وقت‌شناس نباشند. خوب؛ وقتی که شما وارد آن جامعه می‌شوید، این وقت‌ناشناسی آنان را، از طریق تأثیرات منفی‌اش در سرنوشت خودتان و مردم درمی‌یابید؛ درحالی که خود آن، چندان واضح نیست. وجدان کاری و وقت‌شناسی در یک جامعه، بسیار مهم است. مثلاً وقتی ساعت هشت با کسی قرار گذاشتیم، اینکه هشت و ده دقیقه یا هشت و نیم و یا پیش از ظهر برویم، باینکه سر ساعت هشت آنجا حاضر شویم، یکی و تأثیرش یکسان است؟ وجدان کاری هم، جزئی از فرهنگ عمومی است که بسیار پسندیده است. وجدان کاری، یعنی افراد یک جامعه، خود را در قبال آن کاری که پذیرفته‌اند متعهد بدانند و نوعی احساس وجدان نسبت به آن داشته باشند و سرهم‌بندی و رفع تکلیف نکنند و آن کار را به صورت کامل انجام دهند. این‌ها از جمله‌ی خُلقیات یک ملت است که تأثیرش در زندگی و سرنوشت آن‌ها خیلی زیاد است. از جمله مصادیق دیگر فرهنگ عمومی، این است که افراد یک ملت، مردمی باشند که خیلی عافیت‌طلب و به دنبال منافع شخصی خود نباشند؛ بلکه واقعاً حاضر باشند برای ملت و کشورشان وارد میدان شوند و خطرپذیری کنند. یعنی حسن منفعت‌جویی گروهی و جمعی یک ملت، باید بیش از حسن منفعت‌طلبی فردی آنان باشد. از جمله نمونه‌های دیگر فرهنگ عمومی که به اخلاق شخصی و اجتماعی مربوط است، اینکه: افراد جامعه صبور باشند، مهمان‌دوست باشند، عادتشان این باشد که به بزرگترها و پدر و مادر خود احترام کنند. از این‌رو، این‌گونه مسائل بسیار مهم است و می‌تواند سرنوشت یک ملت را تغییر دهد.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان «وزارت ارشاد» و اعضای «شوراهای فرهنگ عمومی کشور»: ۱۹/۰۴/۱۳۷۴.

نقش و ضرورت فرهنگ

بنده اصرار دارم که در محافل تصمیم‌گیری نظام جمهوری اسلامی، یک مقوله مورد توجه قرارگیرد و آن مقوله فرهنگ است. به نظر ما

مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. اهمیت مقوله فرهنگ از اینجاست. لذا هر آنچه که موجب دغدغه انسان نسبت به آینده کشور و اهداف و آرمان‌های آن می‌شود، همین‌ها موجب دغدغه در مسایل فرهنگی هم می‌شود.

(بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹، ۹، ۱۹)

فرهنگ مثل آب و هواست

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم.

خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۶۹/۰۱/۱۰.

فرهنگ مثل روح در کالبد بزرگ انسانی و اجتماعی

فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه‌ی شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک، فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع- کالبد بزرگ انسانی- است.

بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم: ۱۳۸۱/۱۱/۰۷.

فرهنگ مثل هواست

فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه‌ی کارها همه برخاسته‌ی از آن چیزی است که شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود،

نتیجه‌ای که در اندامها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان: ۱۳۸۶/۰۴/۰۴.

میدان بازی در زمینه‌ی فرهنگ عمومی

واقعاً ما برای کار در زمینه‌ی فرهنگ عمومی، میدان بازی داریم. اگر ما بخواهیم توسعه‌ی اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم. مادامی که حتی محقق و جستجوگر علمی ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را، آن چنان‌که در یک فرهنگ سالم مطرح است که مظهر عالیش هم فرهنگ اسلامی است نداشته باشد، وجود این محقق، بی‌فایده خواهد بود. گیریم که ما محققان بزرگی تربیت کردیم و مثلاً آزمایشگاه‌های مهمی هم در اختیارشان گذاشتیم؛ این به یک کار شخصی تبدیل خواهد شد.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۶۹/۰۹/۱۹.

فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌ها

فرهنگ مایه‌ی اصلی هویت ملت‌هاست. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ی بی‌در مجموعه‌ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما: ۱۳۸۳/۰۲/۲۸.

فرهنگ، مسأله‌ی اول نظام

من به شما فرهنگیان عزیز می‌گویم که مسأله‌ی فرهنگ و تعلیم و

تربیت، مسأله‌ی اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ‌چیز به اندازه‌ی تعلیم و تربیت اهمیت ندارد. نقش معلم و مربی در جامعه‌ی ما، نقش طراز اول است. در حقیقت، سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است. ... قدر تعلیم و تربیت و معلمی و سنگر فرهنگی را بدانید. جوانها و نوجوانها، قدر درس و بحث و فراگیری و خودسازی را بدانند.

سخنرانی در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش‌آموزان استان تهران، ۱۳۶۸/۰۳/۲۶.

فرهنگ ستون فقرات

فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما؛ ۱۳۸۷/۰۲/۲۸.

غفلت از تأثیر تعیین‌کننده فرهنگ

به نظر من تأثیر فرهنگ، هم به‌عنوان یک عامل اصلی و تعیین‌کننده در رفتارهای فردی و اجتماعی کشور و امتان، هم به‌عنوان یک حامل برای تأثیرات و اثرگذاری‌های سیاسی گرایشهای سیاسی مغفول عنه قرار گرفته و آن‌چنان که باید و شاید نیست.

حرفهایی زده می‌شود، چیزهایی می‌گوییم، بنده خودم مطالبی را زیاد تکرار می‌کنم؛ لیکن در مقام عمل می‌بینیم که بهای آن‌چنانی داده نمی‌شود. من این‌طور احساس می‌کنم که همه‌ی رفتارهای فردی و جمعی ما به‌عنوان مسئول و رفتارهای ملتمان، تحت تأثیر دو مجموعه عوامل است: یک مجموعه، آن استعدادها و امکانات و این‌هاست هوش، تواناییها و استعدادهای مردم فرض بفرمایید یک فرد را که در نظر می‌گیریم، یک قسمت از تلاش و فعالیتش در هر میدانی از میدانها، مربوط به آن استعدادها و تواناییها و ظرفیتهای وجودی خودش یا فضایی است که از آن استفاده می‌کند. بخش دوم، آن عامل مؤثر و جهت‌دهنده‌ی ذهنیت است.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۸/۰۹/۲۳.

ارزیابی مجدد فرهنگ

ما باید مقوله‌ی فرهنگ را از نو ارزیابی کنیم. من به ذهنم این‌طور می‌رسد که ما در نظام جمهوری اسلامی، مقوله‌ی فرهنگ را قدری دست کم گرفته‌ایم.

دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۷۸/۰۹/۲۳.

فرهنگ انقلاب

از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، و لو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشم‌ها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. اینکه در عرف دوره‌ی جوانی من- که حالا خوشبختانه آن‌طور نیست و خیلی فرق کرده- واقعاً هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمان‌ها بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بست‌ها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیدند، به هیچ راهی جز اینکه در محیط‌های خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. اینکه ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارش‌های گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه‌های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلیری و خوداتکایی و شجاعت وارد شدن در میدان‌های گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله‌ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

بیانات در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما: ۱۳۸۳/۰۲/۲۸.

حفظ فرهنگ خودی سیاست کلی فرهنگ

در باب فرهنگ، سیاست کلی کشور باید عبارت باشد از حفظ و

پرداخت و وابستگی شدید و کامل به فرهنگ ملی. البته جزو مهم‌ترین ارکان فرهنگ ملی، اسلام است. ما مردم ایران مفتخریم که از ۱۳۵۰ سال قبل، فرهنگ، زبان، آداب، عادات، لباس و همه چیزمان با اسلام آمیخته شده است. شاید هیچ ملت دیگری این گونه با اسلام آمیخته نشد که ما شدیم. اسلام و آداب و فرهنگ اسلامی، جزو فرهنگ ملی ماست. «ملی» در اینجا، مقابل «اسلامی» نیست؛ عین همان اسلامی است. «فرهنگ ملی» یعنی «فرهنگ خودی». فرهنگ خودی، باید حفظ شود. البته فرهنگ خودی از فرهنگ‌های دیگر هم وام می‌گیرد؛ حرفی نداریم. «اطلبوا العلم و لو بالصّین» این هم فرهنگ است. اینکه باید رفت از هر جای دنیا چیز خوب را آورد، این هم جزو فرهنگ ماست. این را هم باید حفظ کنیم. اما آنچه را که برای بلدنمان لازم است، بجزویم و فرودهیم. نه اینکه ما آنجا بیفتیم، یکی دیگر بیاید، هرچه که خودش مصلحت می‌داند به بدن ما تزریق کند؛ مثل مرده؛ مثل آدم بی‌هوش! این اقتصاد، این فرهنگ و سیاست استقلال که پایه و مبنای سیاست نظام جمهوری اسلامی است، شعار اصلی ماست. استقلال کامل، در همه جهت، یعنی زور و زورگویی را از هیچ کس قبول نکردن؛ مسائل جهانی را طبق معیارهای خود حل کردن و راه آن را پیمودن.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»: ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

دفتر دوم: تهاجم فرهنگی

مفهوم تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند؛ اما به زور؛ اما به قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی. این، اسمش تهاجم است.

بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور: ۱۳۷۱/۰۵/۲۱.

کسانی که رژیم پهلوی را روی کار آوردند، هیچ‌کدام از شاخصه‌های ملیت را حاضر نبودند تحمل کنند. البته ملیت ما از اول با اسلام آمیخته بود؛ زبانمان، آدابمان، دانشمان و دانشمندانمان با اسلام آمیخته بودند. در تاریخ می‌بینید که دانشمندان برجسته و نام‌آور و ماندگار ما کسانی هستند که دانش دین را در کنار دانشهای معمولی زندگی دارا بودند؛ یعنی همه‌ی دانشها از مجموعه‌ی دین برآمده است. البته این به آن معنا نیست که طلاب مدرسه‌ی دینی این خصوصیت را داشتند؛ نه، جامعه، جامعه‌ی دینی بود. فرهنگ ما، دانش ما، رفتار ما و سنتهای ما با دین آمیخته است و بسیاری از آن‌ها از دین سرچشمه گرفته است. وقتی با هویت ملی و شاخصه‌های آن مبارزه می‌کردند، قهراً مبارزه‌ی با دین جزویش بود و چون دین و ایمان پشتوانه‌ی همه‌ی ارزشهای انسانی است، طبعاً با ایمان

هم به شدت مخالفت می کردند. این ها حاضر نشلند قبول کنند که ما حتی لباس محلی داشته باشیم. ما ایرانی ها با چند هزار سال سابقه، لباس بومی نداریم و لباس محلی و بومی مان را نمی شناسیم، درحالی که خیلی از کشورهای دیگر دنیا دارند. البته لباس بومی، مانع پیشرفت هم نیست؛ اما ما نداریم؛ چون آن ها نگذاشتند. این، عمل به همان توصیه ای است که می گفت ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شود! ببینید خودباختگی تا کجا. اینکه من همیشه می گویم تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی این است.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما؛ ۱۳۸۳/۰۲/۲۸

وجه تسمیه تهاجم فرهنگی

در آن زمان برای برخی سؤال و یا ابهام بوجود آمده بود که چرا یک اصطلاح نظامی برای مسائل فرهنگی استفاده می شود در حالیکه اگر به شرایط کنونی فرهنگی دنیا دقت شود مشاهده می شود که یک تهاجم عظیم و پیچیده در عرصه فرهنگ در جریان است.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب ۱۳۹۰/۰۲/۲۳

تاریخچه تهاجم فرهنگی

این تهاجم فرهنگی، از چه وقت شروع شد؟ مشخصاً از دوران رضا خان شروع شد. البته قبل از او، مقدمات آن، فراهم شده بود. کارهای فراوانی شده بود: روشن فکران وابسته، در داخل کشور ما کاشته شده بودند. نمی دانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه ای این صد و پنجاه، دویست سال را درست خوانده اند یا نه؟ من همه ی دغدغه ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه ای این صد و پنجاه، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگهای ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.

بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور؛ ۱۳۷۱ / ۰۵ / ۲۱

سیر رویارویی انقلاب اسلامی ایران با تهاجم فرهنگی

انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتی به سینه‌ی مهاجم خورد؛ او را عقب انداخت و تهاجم [فرهنگی] را متوقف کرد. در دوران اول انقلاب، شما ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلقیات خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد؛ از و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد فرهنگ اینهاست؛ فرهنگ اسلامی اینهاست جوان به فکر فعالیت و کار افتاد، دنبال تلاش رفت؛ خیلها که به شهرنشینی عادت کرده بودند، به روستاها رفتند؛ گفتند: «بگذار کار کنیم. بگذار تولید کنیم.»؛ شبه کارهایی که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد. این، مربوط به یکی دو سال اول انقلاب بود. این، مربوط به همان زمانی است که تلاش روزبه‌روز دشمن برای پاشیدن بذر اخلاقیات منفی متوقف شده بود و یک گرایش و یک توجه به اسلام پیش آمده بود. مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خلقیات اسلامی که در خمیره‌ی مردم ما بود، در آنان زنده شد. البته عمیق نبود. عمق، آن زمانی پیدا می‌کند که روی موضوع، چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد و آن تهاجم، بتدریج و به مرور، از سرگرفته شد. تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله‌ی ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوبهای ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیرگذاری‌اش مؤثر بود. اما باز حرارت جنگ، مانع بود، تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، این جبهه‌ی جدید، به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. محاسبه‌ی قبلی، غلط از آب درآمده بود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی: ۱۳۷۱/۰۵/۲۱.

شروع تهاجم فرهنگی در اواسط دوران دفاع مقدس

تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله‌ی ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوبهای ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیرگذاری‌اش مؤثر بود. اما باز حرارت جنگ، مانع

بود، تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، این جبهه‌ی جدید، به شکل جلی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. محاسبه‌ی قبلی، غلط از آب درآمده بود. دیدند با محاصره‌ی اقتصادی هم نمی‌شود. بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۰۵/۳۱.

توجه به مسأله‌ی تهاجم فرهنگی

من می‌خواهم عرض کنم یکی از مسائلی که در کشور ما نمی‌شود از آن غفلت کرد، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی است. البته این دعوتی را که به تهاجم فرهنگی می‌کنیم، می‌شود معنای دیگر و طور دیگری فهمید و تحلیل کرد؛ لیکن حقیقت قضیه این است که امروز نمی‌شود در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در کشور بی‌توجه باشیم.

به خیال خودمان کار سازنده می‌کنیم؛ مملکتمان را بسازیم و توجه نکنیم که دشمنانی وجود دارند که دین، استقلال و حتی ارزشهای ملی یعنی ارزشهای غیر دینی ما را با ابزارهای فرهنگی، هدف قرار می‌دهند! این‌ها را با همان ابزارهای فرهنگی که ابزارهای تبلیغی است فیلم، سینما، خبرسازی و جریان‌سازی جهانی و بحث و استدلال مورد تهاجم قرار می‌دهند و پایه‌هایش را در داخل کشور، سست می‌کنند! به نظر من اگر ما بخواهیم کشورمان را به سمت آن هدفهایی که تعلیم و تربیت شده است، پیش ببریم، بدون اینکه به این نکته توجه کنیم، نه کار شلنی است، نه کار حکیمانه‌ای است، نه کار عاقلانه‌ای است! به این باید توجه شود. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۶/۱۱/۰۴

علت تمرکز دشمن بر روی فرهنگ

تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه‌ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه‌ی فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند. نمی‌خواهیم

بگوییم همه‌ی آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصّریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ اما حضور دشمن را هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی نمیتوانیم فراموش کنیم. امروز و از روزهای اوّل انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه‌ی توش و توان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند. این کار فرهنگی است؟ ایمان مردم را مورد تهاجم قرار دادند، باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار میدهند؛ این را نمیشود انسان ندیده بگیرد.

یک سؤالی اینجا ممکن است مطرح بشود که بگویند: خب شما می‌گویید مسئولین کشور حسّاس باشند، چقدر حسّاس باشند؟ آیا این با آزادی — که از شعارهای انقلاب است و جزو پایه‌های جمهوری اسلامی است — منافاتی ندارد؟ جواب این است که نخیر، با آزادی هیچ منافاتی ندارد؛ آزادی غیر از ولنگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همه‌ی ضابطه‌ها است. آزادی — که نعمت بزرگ الهی است — خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه‌ی ایمان جوانان زدن دارند تلاش میکنند، نمیشود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیه‌ی موادّ مسموم‌کننده‌ی بدن و بدبخت‌کننده‌ی خانواده‌ها را کسی بخواهد بین این و آن توزیع کند، نمیشود بی تفاوت نشست. اینکه ببینیم کسانی با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از بیان، با استفاده‌ی از ابزارهای گوناگون، با استفاده‌ی از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست!

بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۳/۱/۱

تهاجم فرهنگی حقیقت است

تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بروی

ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ماجوان، نوجوان، حتی کودکان‌گزندی کنند. این بازیهای اینترنتی از جمله‌ی همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور میشود از جمله‌ی همین است که من چقدر سر قضیه‌ی تولید اسباب‌بازی داخلی معنی دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال نکنند؛ البته بحمدالله ظاهراً اینجا یک تصمیمی در این زمینه گرفته شد، حالا ان شاء الله همان تصمیم را هم دنبال کنید که اجرایی بشود. خب، دوستان ما آمدند در یکی از دستگاه‌های فعال و مسئول، عروسک‌های خوبی درست کردند؛ خوب هم بود؛ اول هم حساسیت طرف مقابل را یعنی مخالفین را، خارجی‌ها را برانگیخت که اینها آمدند در مقابل باری و مانند اینها، این [عروسک‌ها] را درست کردند؛ ولی نگرفت. من به اینها گفتم که اشکال کار شما این است که شما آمدید به فلان نام، یک پسری را، یک دختری را آوردید در بازار، این عروسک شما را بچه‌ی ما اصلاً نمی‌شناسد ببینید، پیوست فرهنگی که می‌گوییم اینها استخب، یک عروسک است فقط، در حالی که مرد عنکبوتی را بچه‌ی ما می‌شناسد، بتمن را بچه‌ی ما می‌شناسد. ده بیست فیلم درست کرده‌اند، این فیلم را آنجا دیده، بعد که می‌بیند همان عروسکی که در فیلم داشت کار میکرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این پیوست فرهنگی [است]. شما بایستی این عروسک را که ساختید، در کنار ساخت عروسک، ده بیست فیلم کودک درست میکردید برای اینکه این عروسک معرفی بشود پیش بچه‌ها؛ بعد که معرفی شد، آن وقت خودشان می‌خرند، [ولی] وقتی معرفی نشد، بازار ندارد و ورشکست میشود؛ و ورشکست شد. یعنی یک چنین دقتهایی را بایست کرد. به هر حال این تهاجم فرهنگی به این شکل یک واقعیتی است. کتابهای آموزش زبان. خب میدانید، الان آموزش زبان انگلیسی بالخصوص زبان انگلیسی، حالا زبانهای دیگر خیلی خیلی کمتر خیلی رواج پیدا کرده، آموزشگاه‌های فراوانی به وجود می‌آورند. خب، مراکز آموزش هست؛ همه‌ی کتابهای آموزش که خیلی هم با شیوه‌های جدید و خوبی این کتابهای آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل‌کننده‌ی

سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه‌ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این را میخواند، فقط زبان یاد نمیگیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیشتر در او اثر میگذارد آن تأثیر و انطباعی [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به وجود می آید؛ این از بین نمی رود؛ این کارها را دارند میکنند.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

تهاجم فرهنگی خیالات نیست!

بنده یک وقت، شش، هفت سال قبل از این، بحث «تهاجم فرهنگی» را مطرح کردم که بحث برانگیز شد و بعضیها در باره اش حرف زدند؛ شاید بعضی از شما یادتان باشد. همان وقت در تلویزیون جمهوری اسلامی میزگردی در این باره تشکیل دادند که سه، چهار نفر آنجا بودند. یک نفر با آن نظری که بنده ابراز کرده بودم، موافق بود و حمایت می کرد؛ چند نفر دیگر هم به کلی آن را رد می کردند که «نه آقا! این ها خیالات است، این ها باطل است!» بنابراین می بینید که کسی متعرض کسی نمی شود.

بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

تهاجم فرهنگی یک واقعیت است

ما چند سال قبل از این بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی ها اصل تهاجم را منکر شدند؛ گفتند چه تهاجمی؟ بعد یواش یواش دیدند که نه [فقط] ما میگوییم، خیلی از کشورهای غیر غربی هم مسئله ی تهاجم فرهنگی را مطرح میکنند و میگویند غربی ها به ما تهاجم فرهنگی کردند؛ بعد دیدند که خود اروپایی ها هم میگویند آمریکا به ما تهاجم فرهنگی کرده! لابد دیده اید، خوانده اید که [گفتند] فیلمهای آمریکایی، کتابهای آمریکایی چه تهاجم فرهنگی ای به ما کرده اند و دارند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار میدهند. بعد بالاخره به برکت قبول دیگران، این حرف ما هم مورد قبول خیلی از کسانی که قبول نمیکردند قرار گرفت! تهاجم فرهنگی یک واقعیتی است. صدها حالا من که میگویم

صدها، میشود گفت هزارها؛ منتها حالا بنده چون یک خرده در زمینه‌های آماری دلم می‌خواهد احتیاط کنم، می‌گویم صدهارسانه‌ی صوتی، تصویری، اینترنتی، مکتوب در دنیا دارند کار میکنند با هدف ایران! با هدف ایران! نه اینکه دارند کار خودشان را میکنند. یک وقت هست که فرض کنید رادیوی فلان کشور یا تلویزیون فلان کشور یک کاری دارد برای خودش میکند؛ این نیست، اصلاً هدف اینجا است؛ با زبان فارسی [برنامه می‌سازند]؛ آن را با وقت استفاده‌ی فارسی زبان یا عنصر ایرانی تطبیق میکنند؛ مسائل ما را رصد میکنند و بر طبق آن مسائل، موضوعات و محتوا برای رسانه‌ی خودشان تهیّه میکنند؛ یعنی کاملاً واضح است که هدف اینجا است. خودشان هم می‌گویند، انکار هم نمی‌کنند.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۲/۹/۱۹

وادادگی مدیران عامل انحراف دستگاه‌های فرهنگی

من هفت، هشت سال پیش، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم؛ اما خیلی‌ها با این قضیه برخورد تندی کردند و گفتند تهاجم فرهنگی چیست؛ در حالی که یک واقعیت بسیار مهم، حساس و خطرناک است. غریبها سعی می‌کنند عرفهای فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند. یک مدیر اگر در مقابل اینها حالت وادادگی پیدا کرد، همین چیزهایی که پیش آمده، پیش می‌آید. وادادگی مدیران، یکی از مهمترین و مؤثرترین و مضرت‌ترین عواملی است که دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود. آن دستگاهی که باید در جهت رشد فکری و فرهنگی و عملی انسانها فیلم بسازد و کتاب تولید کند و تمام ابزارهای فرهنگی را در این جهت به کار بیندازد، وقتی می‌بینم که در این زمینه‌ها کم‌کاری دارد، طبیعتاً مورد عتاب من قرار می‌گیرد. این را نباید حمل بر یک جهت‌گیری سیاسی کرد؛ همین چیزی است که این خواهر یا برادرمان این‌جا نوشته‌اند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۹۹/۱۲/۲۲.

تهاجم فرهنگی و طلب مبارز

این مسأله‌ی تهاجم فرهنگی‌ای که ما مطرح کردیم، بعضی کسان به‌شدت از آن آزرده شدند و گفتند چرا می‌گویید تهاجم فرهنگی؟! در حالی که تهاجم فرهنگی، وسط میدان مشغول مبارز طلبیدن است، بعضی کسان سعی کردند آن را در گوشه و کنار پیدا کنند! این تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسأله این است که یک مجموعه‌ی فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه‌ی باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه‌ی ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

تهاجم فرهنگی خطر اصلی بعد از انقلاب

قبل از انقلاب، در زمینه‌های فرهنگی، ما مقلد محض بودیم؛ اما بعد از انقلاب، تهاجم فرهنگی به عنوان یک خطر شناخته شد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی؛ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.

سنگباران کردن تابلوی تهاجم فرهنگی

این تابلو تهاجم فرهنگی را که ما چند سال پیش بلند کردیم و عده‌ای سنگبارانش کردند، خوشبختانه اینها قبول و بلند کرده‌اند. الان در همه‌ی این تشکلهای کوچک ناشناخته و احصا نشده، جهت واحدی وجود دارد و آن مبارزه با تهاجم فرهنگی است. از بچه‌ها می‌پرسید شما می‌خواهید چه کار کنید؛ این کتاب، نمایشنامه، جزوه، بروشور و شعر را برای چه

نوشتید و این انجمن را برای چه درست کردید؟ می‌گویند می‌خواهیم با تهاجم فرهنگی مبارزه کنیم. این کار خیلی مبارک است و این را دست کم نگیرید. در بین همینهاست که شما آن معدنهای الماس و طلا را پیدا می‌کنید: «الناس معادن كمعادن الذهب والفضة». بروید و آنها را شناسایی و گزینش کنید و به شکل حساب شده‌ای وارد مجموعه نمایید. البته می‌توانید مجموعه را دارای دهلیزها و گردونها و گیتیه‌های گوناگون کنید تا اینها را راحت و بی‌دغدغه وارد کنید؛ یعنی از یک قرنطینه‌ی ناآشکاری بگذرانید و بعد وارد اصل مجموعه کنید. از این کارها باید بکنید.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم: ۱۳۸۱/۱۱/۰۸.

نگرانی از کم‌کاری در محیط کار فرهنگی اسلام

من نگاه می‌کنم، می‌بینم که در محیط کار فرهنگی ما به عنوان اسلام، کار خیلی کمی انجام می‌گیرد. فرض بفرمایید وزارت ارشاد نمی‌آید اعلان کند که من می‌خواهم «سینمای اسلامی» درست کنم! مگر ما از چه خجالت می‌کشیم؟! یک روز در این دنیا کسانی بودند که از گفتن «بسم الله» و از بردن نام اسلام، خجالت می‌کشیدند؛ ما آمدیم اسلام را در دنیا سکه‌ی رایج و نرخ شاه‌عباسی کردیم. حالا خجالت بکشیم از اینکه بگوییم سینما و تئاتر اسلامی می‌خواهیم؟! چرا اعلان نمی‌کنند؟ صریحاً بگویند که ما می‌خواهیم سینمایمان را اسلامی کنیم.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۷۸/۹/۲۳.

درخواست از شورای عالی انقلاب فرهنگی

من انتظار و خواهم از شورای عالی انقلاب فرهنگی این است که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را بحث کنید. اصلاً این موضوع را مورد مطالعه قرار دهید. البته به نحو حمل شایع صناعی، قطعاً مسائلی هست که مربوط به تهاجم فرهنگی است و الآن بحث می‌شود؛ شکی نیست. مثلاً بحث در مورد همین مسأله‌ی اسلامی کردن دانشگاهها به حمل شایع، بحث از تهاجم فرهنگی است؛ ولی باید به حمل اولی و ذاتی در باره‌ی خود تهاجم بحث کنید! آیا واقعاً آنکه بنده در قضیه‌ی تهاجم

فرهنگی می‌فهمم، اصلاً درست است یا نه؟ این را مناقشه کنیم؛ اگر دیدیم که درست است، اگر دیدیم که حقیقتاً ارزشها، اصول، پایه‌ها و مبانی، مورد تهاجم قرار دارد، ستاد اصلی مقابله با این تهاجم، اینجاست و اینجا نبایستی از این قضیه و این کار غفلت کند. باید إن شاء الله با جدیت دنبال فرمایید.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۶/۱۱/۰۴.

هدف تهاجم فرهنگی

در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. ... در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. معلوم است که دشمن چه می‌خواهد! اگر در تبادل فرهنگی، ملتی که از فرهنگ بیگانه چیزی می‌گیرد، تشبیه به آدمی شود که در کوچه و بازار، غذا و دواي مناسب می‌خرد که مصرف کند؛ در تهاجم فرهنگی، ملتی را که تحت تهاجم قرار گرفته است، باید به بیماری که افتاده و خودش کاری نمی‌تواند بکند، تشبیه کنیم. آن وقت دشمن، آمپولی به او تزریق می‌کند و معلوم است آمپولی که دشمن تزریق کند، چیست! این، فرق دارد با آن دارو و درمانی که خود شما بروید و آن را با میل انتخاب و وارد بدنتان کنید. این، تهاجم فرهنگی است. ... تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند. ... تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. ... تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است. لذا دیدید که استعمارگران، در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، هرجا خواستند وارد شوند، قبل از آنکه سیاستمداران و سربازان و قزاقهایشان وارد شوند، میسوینهای مسیحی و هیئتهای تبشیری مسیحی شان وارد شدند! سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان را اول مسیحی کردند، بعد طناب استعمار به گردنشان انداختند. بعد هم از خانه و کاشانه‌شان، آواره‌شان کردند و پدرشان را در آوردند!

بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور: ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛

از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقایانی که خودش به حسب آنچه که ما می‌بینیم خسر الدنيا و الآخرة است، برمی‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر الدنيا و الآخرة شده‌اند!» می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر الدنيا و الآخرة شدند.» چرا؟ چون با امریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر الدنيا و الآخرة بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست‌نشانده‌ی فاسد پهلوی و ارتباط با امریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادگی گام نهد، خسر الدنيا و الآخرة است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دل‌باخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسر الدنيا و الآخرة‌اند؟! خودشان خسر الدنيا و الآخرة‌اند! کسی که این را می‌گوید، حقیقتاً خسر الدنيا و الآخرة است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیای نکبت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرف‌ها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای اینکه مردم را متزلزل کنند؛ برای اینکه ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست. این‌ها عوامل دشمنند. این، تهاجم فرهنگی است. این، مبارزه با ملت ایران است، که دشمنان انجام می‌دهند. مخصوص ما هم نیست؛ این‌ها با اسلام بلند و با اسلام دشمنی می‌کنند.

بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»؛ ۱۳۷۲/۰۲/۱۵

مقاومت شکنی هدف دیگر تهاجم فرهنگی

دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت‌شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهمترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دل‌ها فرو بریزند و از بین ببرند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح؛ ۱۳۸۰/۰۷/۰۴

تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگیها و زنده‌گزینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می‌دهد، عقل هم به‌طور مستقل از ما می‌خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می‌بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالصین» یا «انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت‌آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می‌گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرابگیر، این گرفتن، گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زنده‌گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفته‌ام که یک وقت هست که یک انسان با میل خود و بر طبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی‌اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده‌ی لازمی را انتخاب می‌کند و آن را داخل جسم خودش می‌کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می‌خواهند و ماده‌ی را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتهایی دارد و نه برایش مفید است، به‌زور در حلقش می‌ریزند، یا به او تزریق می‌کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آنهایی که با قراردادهای مالی دهن‌شان را می‌بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیت‌های علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده‌ی هستند، ولو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه‌ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. این که در عرف دوره‌ی جوانی من که حالا خوشبختانه آن‌طور نیست و خیلی فرق کرده واقعاً هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن زمانها

بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن‌بستها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می‌دیلند، به هیچ راهی جز این که در محیط‌های خارج از کشور کار کنند، فکر نمی‌کردند. این که ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود.

بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما؛ ۱۳۸۳/۰۲/۲۸

خاصیت زدایی انقلابی

امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه‌ی توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. از اول پیروزی انقلاب، همان جبهه سعی‌اش این بود که نگذارد جمهوری اسلامی که مولود انقلاب است، پا بگیرد؛ همه‌ی تلاش خودشان را کردند که جمهوری اسلامی را از بنیان نگذارند رشد کند، و البته نتوانستند. اقدام سیاسی کردند، محاصره‌ی اقتصادی کردند، جنگ تحمیلی را هشت سال بر این ملت تحمیل کردند، دشمنان این ملت را تجهیز کردند، وسوسه‌های درونی را به جان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی انداختند، نتوانستند. به این نتیجه رسیدند که نظام جمهوری اسلامی را نمیشود ساقط کرد؛ چون مدافع آن، حامی آن، سینه‌های سپرکرده‌ی مردم مؤمن است؛ میلیون‌ها انسان مؤمن این نظام را نگه داشته‌اند. بحث مسئولین و دولت و بحث اینها نیست. یک وقت یک نظام قائم به چند نفر است و یک عده مرتزقه‌ی یک نظامند؛ آن نظام برای استکبار خطری ندارد. یک وقت یک نظام متکی به ایمانهای مردم است، متکی به دل‌های مردم، به پشتیبانی عمیق مردم است، این نظام را نمیشود تکان داد. این را استکبار فهمیده است. همین راهپیمائی‌ها، همین ۲۲ بهمن امسال شما مردم، این یک نمایش بسیار باشکوه و پر عظمت بود. پیشرفتهای علمی، حضور جوانها در صحنه‌های مختلف، شعارهای انقلاب که خوشبختانه زنده‌تر از پیش شده است کسی از مسئولین با شرمندگی نسبت به شعارهای انقلاب مواجه نمیشود؛ افتخار

میکنند به استقلال، به آزادی، به اسلام، به این قانون اساسی معتبر و پرمغز و پرمعنانشان میدهد که نظام را نمیشود تکان داد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هر چه میتوانند کم کنند. این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شبیخون فرهنگی که انسان در بخشهای مختلف علائم آن را مشاهده میکرد و امروز هم انسان آن را در بخشهای مختلفی می‌بیند، به این نیت است؛ با این قصد است؛ انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را میطلبد. این هم مثل همان قضیه‌ی بیست و نه بهمن است. خیلی‌ها اهمیت بیست و نه بهمن را نفهمیدند، شما تبریزی‌ها این را فهمیدید، در مرحله‌ی عمل هم، این فهم خودتان را به کار بستید؛ در همه‌ی مقاطع همین جور است. اهمیت حوادث را باید ملت ما درک کند؛ و خوشبختانه امروز درک میکنند؛ ملت کاملاً هوشیارند. خود این هم یکی از برکات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده است. مردم بیدار شده‌اند، قدرت تحلیل پیدا کردند.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی: ۱۳۸۷/۱۱/۲۸.

شبیخون فرهنگی

سومی که از همه سخت‌تر است، «استقلال فرهنگی» است. این، بسیار سخت است و بسیار خون دل دارد. مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه انواع استقلالها سخت‌تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شبیخون فرهنگی» می‌زنند. این ادعا راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می‌کند و می‌فهمد که شبیخون است، و چه شبیخونی هم هست!

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان: ۱۳۷۲/۰۲/۱۵.

غارت فرهنگی

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشاسعی می‌کند

جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتیم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند». الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست. بیانات در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورا؛ ۱۳۷۱/۴/۲۲.

روش‌های نوین تهاجم فرهنگی

این تبلیغات فرنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بوده که ما در این چند سال بر روی آن تکیه کردیم روشهای نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه‌گیرتر و همه‌جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند و همه‌ی کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای این که جلو این سخن نو رایی یعنی این که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسانهای پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد بگیرند. این سخن نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می‌دهد و هر دستگاهی را که از قدرت، انتفاع مادی می‌برد، دچار وحشت می‌کند. لذا همه جای دنیا با این فکر مخالفند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۷۹/۱۱/۲۷.

اصل در تهاجم فرهنگی

عده‌ای خیال کرده‌اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی غرب حمله می‌کنیم، فقط مسئله‌مان این است که یک نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است. مردم بحمد الله حجابشان را رعایت می‌کنند؛ الا افرادی قلیل. مسأله‌ی این‌ها نیست. این، فرعی است. اصل قضیه آن است که داخل خانه‌هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می‌گیرد و دشمنان آنجا کار می‌کنند. آنکه آشکار نیست، آنکه پنهان است، خطر آنجاست. جوانان ما شهوات را دور انداختند، راحتی و لذت را دور انداختند؛ رفتند در میدان مبارزه و توانستند دشمن را به زانو درآورند. حال دشمن از جوانان ما انتقامش را می‌گیرد. انتقامش چیست؟ انتقام دشمن این است که جوانان ما را به لذات و شهوات سرگرم کند. پول خرج می‌کنند، عکس مبتذل چاپ می‌کنند و مجانی بین جوانان منتشر می‌کنند. ویدئو درست می‌کنند و فیلمهای مهیج شهوت را مجانی به این و آن می‌دهند که نگاه کنند. البته، یک عده از این طریق، پول هم دست می‌آورند؛ اما آن‌هایی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای پول، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. می‌توانند آن‌ها را در کشورهای دیگر، آزادانه پخش کنند و پول به دست آورند. اینجا می‌خواهند نسل جوان را ضایع و نابود کنند. این، هجوم یک مهاجم است. حال، بیننا و بین الله، اگر دستگاه قضائی این کشور، کسی را که به چنین فساد دامن می‌زند، دستگیر کرد، چه مجازاتی برای او مناسب‌تر از همه است؟ کسی که هزاران جوان این مملکت را جوانان پاک و پاکیزه‌ی ما را؛ بچه‌های معصوم ما را به وادی فساد و شهوترانی می‌کشاند، مجازاتش چیست؟ به نظر من، این‌ها باید به شدیدترین وجه مجازات شوند.

بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»؛ ۱۳۲۲/۰۲/۱۵.

عمیق‌ترین معارضه غرب با نظام اسلامی

معارضه‌ی سیاسی و فرهنگی دولتها، بخش کوچک معارضه با جمهوری اسلامی است. بخش مهم‌تر، معارضه‌ی فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی است که یک معارضه‌ی عمیق و بلندمدت است.

بیانات پاسداران انقلاب اسلامی بمناسبت روز پاسدار؛ ۷۵/۹/۲۴.

گستره تهاجم فرهنگی دشمن

گستره تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، همه کشورهای دنیا است اما در این تهاجم مهم‌ترین هدف، نظام جمهوری اسلامی است زیرا نظام اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده و اثبات کرده که در این ایستادگی خود صادق است و توانایی مقابله و پیشرفت را نیز دارد.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳.

اوج تهاجم فرهنگی

یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه جا اینها دارند کار فرهنگی می‌کنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدفهای استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌یی متوجه به ماست؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما: ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

ویژگی‌ها و راه‌های تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سروصدایی است. یکی از راههای تهاجم فرهنگی، این بوده است که سعی کنند جوانان مؤمن را از پایبندیهای متعصبانه‌ی به ایمان، که همان عواملی است که یک تملن را نگه می‌دارد، منصرف کنند. همان کاری را که در اندلس، در قرنهای گذشته کردند. یعنی جوانان را در عالم، به فساد و شهوترانی و می‌گساری و این چیزها مشغول کردند. این کار، حالا هم انجام می‌گیرد. من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنائی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کار بدی است. اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید! کسی به کسی گفت: «چه کار می‌کنی؟» گفت: «دهل می‌زنم.» گفت: «چرا صدای دهلت در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من در می‌آید!» صدای فروریختن ایمان

و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای نخواست، آن وقتی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه رفته‌ی ما را اگر محاصره کردند؛ اگر اول یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلمهای جنسی وقیح وادار کردند؛ شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشانند، چه خواهد شد؟! وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی، فاسد می‌کنند. و حالا دشمن این کار را می‌کند.

بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور؛ ۱۳۷۱/۰۵/۲۱.

راز صف‌آرایی فرهنگی علیه اسلام

اسلام فرهنگ جامعه را با همه‌ی خیرات و حسناتی که در فرهنگهای دیگر وجود دارد، تکمیل می‌کند؛ لیکن فرهنگهای مختلف در دنیا، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند. این صف‌آرایی ممکن است که در مواردی طبیعت فرهنگها باشد. فرض کنید فرهنگ مادیگری، طبعاً در مقابل فرهنگ معنوی یک نوع صف‌آرایی دارد؛ و طبعاً و لو عملاً متولیانان نخواهند این ضد آن و علیه آن است و آن نیز ضد این است. یک وقت هم هست که بحث طبیعت دو فرهنگ نیست، بلکه مجموعاً متولیان و صاحبان یک فرهنگ، به دلایلی سعی می‌کنند که فرهنگ خودشان را بر فرهنگ دیگری غلبه دهند؛ چنانچه استعمارگران در دوران استعمار، یکی از اولین کارهایی که می‌کردند، این بود که فرهنگ خودشان را وارد آن منطقه‌ی تحت نفوذ استعماری کنند. یعنی این را حساب شده می‌کردند؛ نه به این معنا که لشکریانشان می‌آملند، سالها می‌مانند و فرهنگ قهراً منتقل می‌شود؛ نه. برای این کار، محاسبه می‌کردند.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۶/۱۱/۰۴.

تهاجم فرهنگی تهدیدگر سلامت جوامع اسلامی

بلای دیگری که سلامت جوامع اسلامی، بخصوص جوانان را تهدید می‌کند تهاجم فرهنگی غرب است. امواج صوتی، تصویری حامل

ابتلال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند. و با ترویج ارزشهای کاذب، غرب‌گرایی را که موجب ذلت و اسارت مسلمانان است تبلیغ می‌نمایند. این اجلاس علاوه بر مقابله با این تهاجم خانمان برانداز، باید در جستجوی راههای مناسب ترویج فرهنگ غنی و ارزشهای اصیل اسلامی و تقویت مبانی اعتقادی ملتهای اسلامی باشد. به علاوه رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمان بویژه جوامع صنعتی تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی جزء وظایف اجلاسهای بین‌المللی اسلامی می‌تواند باشد. مارکسیسم جزء موزه تاریخ سیاسی جهان شده و سرمایه‌داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی و رو به رشد ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد.

پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی: ۱۳۷۷/۰۳/۲۵.

شناخت تهاجم دشمن بخشی از توان دفاعی کشور

این‌که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست؛ به این مسأله توجه داشته باشید. ندانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم. از سالهای هفتادوسه و هفتادوچهار بتدریج و به‌صورت روزافزون، مبارزه‌ی اعتقادی اخلاقی شروع شد. بنده همان وقتها شروع این مبارزه را احساس کردم. بحث تهاجم فرهنگی‌ای که مطرح کردیم، ناشی از این بخش قضیه بود. در کنار حرکات عملی سیاسی و اقتصادی و غیره، حقیقتاً یک تهاجم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و با ابزارهای فرهنگی آغاز شد. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی: ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

تفاوت تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی

امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان

خود را بسیار بالا برده، جرئت نمیکنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ میدانند سرکوب خواهند شد؛ میدانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است. در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنتان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران بخصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش میکنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان؛ ۱۳۸۷/۰۲/۲۲.

آثار تهاجم فرهنگی و تقلید نابجا از فرهنگ غرب

تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روادانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های

برجسته، با زبان فارسی انجام میگرفت. انگلیس‌ها آملند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانونهای زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان‌شان با انگلیسی است؛ باید انگلیسی حرف بزنند این تحمیل شده. در همه‌ی کشورهای که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله‌ی خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیس‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر میگفتند؛ مثل امیر خسرو دهلوی، بیدل دهلوی که اهل دهلی است و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیس‌ها آملند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف زنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳:

گرفتن جوانها تلاش دشمن برای قتل عام فرهنگی

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا! ۱۳۹۱/۰۴/۲۲:

تبادل فرهنگی

البته این را هم بارها عرض کرده‌ایم که فرهنگها تبادل دارند. وقتی که

بحث تهاجم فرهنگی را مطرح و بر آن پافشاری می‌کنیم، به آن معنا نیست که یک فرهنگ نباید چیزی را از خارج خود، به خود بیفزاید. متأسفانه در ایرانِ اواخر قاجار که به فرهنگ غربِ توجّه شد و به ویژه در دوران منحوس پهلوی که این توجّه شدّت گرفت، آنچه که واقعاً تبادل، تلقّی، تعاطی و تکامل فرهنگی بود، در ارتباط با غرب انجام نگرفت؛ بلکه نوعی تحمیل فرهنگی رخ داد. گاهی انسانی هوشمند و عاقل، به اختیار خود، چیزی را گزینش می‌کند و می‌پذیرد و گاهی به عکس، به یک انسان مست و غافل و بی‌هوش، به‌زور، چیزی را تزریق و تحمیل می‌کنند. مسلماً این دو، یکسان نیستند. در کشور ما، تحمیل فرهنگی کردند؛ یعنی آمدند و بدون اینکه گزینش صحیحی در کار باشد، چیزی را در کالبد فرهنگ و ذهنیات این مردم تزریق کردند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در اسلام، ریشه‌ی همه‌ی این معنویات وجود دارد؛ اما متأسفانه به آن‌ها توجّه نشده است. زیرا مدتی حکومت‌های استبدادی و سلاطین و به دنبال آن‌ها، متولیان دین و آخوندهای درباری و روحانیان وابسته‌ای که طبق نظر آن‌ها حرف می‌زدند و یا مثل خود آن‌ها و طبق الگوی آن‌ها عمل می‌کردند، پایه‌های خُلقیات خوب را در مردم ما ضعیف کردند. هرچند این مقدار باقی‌مانده هم (یعنی این انقلاب، این جنگ تحمیلی، این ایستادگی در مقابل تهدیدهای غرب و این احساس عزّت و استقلال در برابر ابرقدرت‌های عالم بسیار ارزشمند است) ناشی از آن بقایای فرهنگ اسلامی است که در این مردم رنّگ ثابت گرفته است. خدا را شکر که دشمنان دین، فرصت نیافته‌اند که این‌ها را حذف، یا کم‌رنگ و یا نابود کنند و از بین ببرند. همین مقدار است که این همه عزّت، پیشرفت، حرکت‌های عمومی، حضور مردم در صحنه‌ها و استقلال در برابر خودکامگی مستبدان را به بار آورده است و این شاء الله در آینده هم ثمرات دیگری به بار خواهد آورد.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت ارشاد و اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور؛ ۱۳۷۴/۴/۱۹.

تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی

تفاوت بین تهاجم و تعامل فرهنگی در این است که تعامل فرهنگی

مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می‌روید و آنچه را که می‌لتان می‌کشد، چشم شما و کامتان می‌پسندد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند. در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خواهاند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست و نمی‌دانید برای شما مفید است یا نه، با آمپول به شما تزریق می‌کنند. البته دنیای غرب نگذاشت ما حس کنیم که دست و پایمان را گرفته‌اند و به ما تزریق می‌کنند؛ صورت قضیه را طوری قرار داد که ما خیال کردیم انتخاب می‌کنیم، در حالی که انتخاب نمی‌کردیم؛ بر ما تحمیل کردند. آن وقت اینها همان کسانی هستند که اگر اندک خلدش‌ای به فرهنگ رایج و مورد قبولشان وارد شود، جنجال راه می‌اندازند. شما ببینید در فرانسه که آن را مهد آزادی می‌دانند، برای سه چهار دختر روسی‌دار مسلمان چه سر و صدایی راه انداخته‌اند! این است که می‌گوییم باید فکر کنیم؛ باید تحلیل کنیم. اندیشه‌ی ترجمه‌ای برای یک ملت، سرنوشت بسیار سختی را به وجود می‌آورد. این توصیه‌ی همیشگی من به شما جوانان عزیز است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین؛ ۱۳۸۲/۰۹/۲۶.

دفتر سوم: جنگ نرم

مفهوم جنگ نرم

جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور؛ ۱۳۸۸/۰۹/۰۴

چیستی و چرایی جنگ نرم

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زورآزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه‌ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی

است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور؛ ۱۳۸۷/۹/۰۴.

بدبینی و بددلی ابزار جنگ نرم

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور؛ ۱۳۸۷/۹/۰۴.

جنگ نرم؛ تحریک جنگی نوین دشمن

حرکت عظیم انقلاب اسلامی، یک حرکت تمام شده نیست. حالا یک گوشه‌ای از لشکر آن من و شمائیم که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و اینها محسوب میشویم؛ «و لله جنود السماوات و الارض»؛ لشکر او زمین و آسمان نمیشناسد؛ «و کان الله عزیزا حکیم»؛ خدا عزیز است عزیز یعنی غالب لا یغلب، یعنی بی‌نیاز از هم‌همان و شما هم حالا یک گوشه‌ای از کار را در دست میگیریم. این حرکت عظیمی که با

انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همین‌ی که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ از سال ۶۷ همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ اینها را انسان دارد می‌بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است: بلاغ، تبیین؛ بگوئید، خوب بگوئید. من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند.

بیانات در دیدار جمعی از شعرا؛ ۱۳۸۷/۶/۱۴.

استدلال دشمن برای حمله فرهنگی به ایران

آنها برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در یک نقطه‌ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیائی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه‌ایان حوزه‌ی عظیمی است دیگر مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المندب است. اینها گذرگاه‌های مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه‌ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و

ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حساسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزبه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی‌الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس‌جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینهاست؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولت‌ها را اینها می‌آورند، اینها می‌برند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی شدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نمانند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانان کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار میکشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.

بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی؛ ۱۳۸۸/۶/۴.

میدان‌داران جنگ نرم

امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم‌که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های

شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی استخوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان ببایند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوانِ جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید. اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهائی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهائی است که خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

مهارت ستودنی مردم برای مقابله با جنگ نرم

چالش عظیمی بود: دشمن از آن طرف حمایت کند، کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد دشمن از فتنه‌گران اسم بیاورد ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود ابتکار نشان داد، شجاعت نشان داد، فداکاری نشان داد، در همه‌ی صحنه‌ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. انسان وقتی به مسائل نگاه میکند و میخواهد از یک افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متحیر میماند: این چه دست قدرت الهی است که اینجور دل‌های ما را، جانهای ما را به سمت اهداف خودش حرکت میدهد؟ کار خداست. خدا با شماست. این خداست که شما را هدایت میکند. این خداست که دل‌های من و شما را متوجه به راه درست میکند.

بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان؛ ۱۳۸۹/۱۰/۰۸.

فرماندهی جنگ نرم توسعه فرهنگ مجاهدت

فرهنگ تلاش و مجاهدت برای جبهه‌ی حق باید در دانشگاه توسعه

پیدا کند. از جمله‌ی مطالبی هم که دوستان گفتند، یکی همین است؛ فرهنگ معنویت و اخلاق، یا آنچنان که یکی از آقایان بیان کردند، هنر به معنای آزادگی، به معنای سربلندی، به معنای ارزش؛ این کاملاً درست است. این فرهنگ باید در دانشگاه توسعه پیدا کند. در این مورد، نقش اساتید، نقش بسیار برجسته‌ای است؛ و این همان فرماندهی جنگ نرم است که من مکرر مطرح کردم و گفتم اساتید فرماندهان جنگ نرمند. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها: ۱۳۹۱/۰۵/۲۲.

افسران جنگ نرم

من حالا یک جمله راجع به مسئله‌ی جنگ نرم بگویم. ما عرض کردیم افسران جوان جنگ نرم. اعتقاد من این است این هیچ تعارف نیست که در این میدان، شماها افسرید؛ سرباز صفر نیستید. شما جوانید، میدان مبارزه‌ی شما هم میدان جنگ نرم است. امروز خوشبختانه جنگ نظامی نداریم؛ اگر یک وقتی جنگ نظامی هم پیش بیاید، باز پیشقراولهایش جوانهایند. امروز جنگ نرم مطرح است؛ نه امروز، سی سال است مطرح است. در جنگ نرم، آن چیزی که باید مورد توجه باشد، این است: در جنگ نرم و جنگ روانی که جنگ روانی یکی از بخشهای جنگ نرم است هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند. جنگ نرم مثل جنگ نظامی نیست. در جنگ نظامی هدف دشمن این است که مثلاً بیاید پایگاه طرف مقابل یا کشور مورد حمله را نابود کند و از بین ببرد، یا سرزمین را تصرف کند. در جنگ اقتصادی هدف این است که زیرساختهای اقتصادی را از بین ببرد. در جنگ نرم، هدف این چیزها نیست؛ این چیزها گاهی وسیله است برای آن هدف جنگ نرم. در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست، در مغز شماست؛ یعنی اراده‌ی شما. دشمن میخواهد اراده‌ی شما را عوض کند. البته اینها حرفهای پنهان نیست. اوایل این حرفها را نمیگفتند، اما حالا مدتهائی است که دشمنان ما این حرفها را میگویند و به زبان می‌آورند. میگویند میخواهیم ملت ایرانحالا آنها میگویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است محاسباتش عوض شود. ما با یک محاسبه‌ای،

یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مژمن را تبدیل کرد به پیشرفت که دارید می‌بینید تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خوب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیمهای مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کما اینکه گفتند دیگر.

در یک برهه‌ای کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را میخواهد.

بیانات در دیدار دانشجویان؛ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.

افسران جوان جبهه‌ی جنگ نرم

شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار می‌طلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.

پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی؛ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳.

نقش افسران جوان در مقابله‌ی با جنگ نرم

شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا بیایم بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. حالا بامزه این است که ایشان میگویند توی یک جمله بیان کنید. معروف است یک نفری زمان شیخ انصاری پسرش را آورده بود نجف. دید طلبه‌ها درس میخوانند و ملا میشوند و شیخ انصاری هم خوب، شخص بزرگی بود؛ هوس کرد پسرش را طلبه کند. آمد به پیش شیخ انصاری، گفت شیخنا! این نوجوان را من آورده‌ام و خواهش میکنم تا فردا که می‌خواهیم راه بیفتیم برویم، شما او را فقیه کنید! عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدرزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید مرکز خوشبینی مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌حرکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن میخواهد.

بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی؛ ۱۳۸۷/۰۶/۰۴.

نقش دانشجو در جنگ نرم

ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را هی گفتند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم هی گفتند و همه این را میدانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتیم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از

خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۷۷/۶/۰۸.

جنگ نرم و اختلاف افکنی مذهبی و حزبی

یکی از چیزهایی که قطعاً منافعی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کُرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات حزبی منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند، با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی

که ما به آن می‌گوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میداند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش میبرد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.

بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش؛ ۱۳۹۹/۱۱/۱۹.

دگرگونی واقعیات خط اصلی دشمن در جنگ نرم

امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام میدهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل میشود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهای که در جاهای مختلف دارند در داخل هم دارند می‌بیند یک قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامید‌کننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آنها در میدان واقعیت است. دشمن در همه‌ی دوران سی ساله، این تلاش را داشت؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار است، شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح میکند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسئولین احساس میکنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را احساس میکنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهار نظر میکنند، همه‌ی حرفشان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا

چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور میکنند و همانها را در داخل تکرار میکنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه میکردند که آقا سال آینده، سال سختی است یعنی همان سال ۸۸ از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه میدادند؛ مسئولین را یک جور میخواستند دلسرد کنند، مردم را یک جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسئولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم: ۱۳۸۹/۸/۰۴.

غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور

امروز کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم، غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهمترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله‌ی سیاسی واردند و مطلعند، میدانند امروز قدرت ابرقدرتها بیش از آنچه که در بمب هسته‌ای‌شان باشد، در ثروتهای انباشته‌ی در بانکهاشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آنهاست، در صدای بلند آنهاست که به همه جا میرسد. شیوه‌های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. امروز غربی‌ها- چه در اروپا، چه در آمریکا- در کار تبلیغات، شیوه‌های مدرن و بسیار پیشرفته‌ای را یاد گرفته‌اند و بلد شده‌اند؛ ما در این جهت عقبیم. یکی از اساسی‌ترین کارهای آنها این است که تبلیغ کردن را بلدند. با این شیوه‌های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرفهای خلاف واقع، سعی میکنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه‌ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضایا را روشن کنید.

بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم: ۱۳۸۹/۰۸/۰۴.

دفتر چهارم: جهاد

جهاد فی سبیل الله عامل کرامت و عزت

بشریت اگر بیندیشد و انصاف را رعایت کند، تصدیق خواهد کرد که نجات بشر و حرکت بشر به سوی کمال، به برکت اسلام ممکن خواهد شد و لاغیر. ما مسلمانها قدرناشناسی کردیم؛ ما نمک خوردیم و نمکدان را شکستیم؛ ما قدر اسلام را ندانستیم؛ ما پایه‌هائی را که پیغمبر اکرم برای بنای جوامع برجسته و متکامل انسانی بناگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چویش را هم خوردیم. اسلام این توانائی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هائی که پیغمبر گذاشتند پایه‌ی ایمان، پایه‌ی عقلانیت، پایه‌ی مجاهدت، پایه‌ی عزت پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی است. ایمانمان را در دل‌های خود و در عمل خود تقویت کنیم؛ از خرد انسانی، که هدیه‌ی بزرگ الهی به بشر است، استفاده کنیم؛ جهاد فی سبیل الله را چه در میدان‌های نبرد نظامی، آن وقتی که لازم باشد؛ چه در میدان‌های دیگر، میدان سیاست، میدان اقتصاد و دیگر میدانها دنبال کنیم و حس عزت و کرامت انسانی و اسلامی را برای خودمان مغتنم بشماریم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث: ۱۳۹۰/۰۴/۰۹.

جهاد یعنی مبارزه

ما در اول «کتاب جهاد» عرض کردیم که معیار جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه ی «مبارزه» وجود دارد. فلائی آدم مبارزی است؛ فلائی آدم مبارزی نیست. نویسنده ی مبارز؛ نویسنده ی غیر مبارز. عالم مبارز؛ عالم غیر مبارز. دانشجوی مبارز و طلبه ی مبارز؛ دانشجوی غیر مبارز و طلبه ی غیر مبارز. جانه ی مبارز و جامعه ی غیر مبارز. پس جهاد یعنی «مبارزه». در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی این که در آن جدّ و جُهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی تواند مبارزه کند! در مبارزه، باید جدّ و جُهدی وجود داشته باشد. اگر چه در صُورِی، مبارزه با نفس هم میدان هایی دارد؛ اما حالا مثال هایی که می زنیم برای مبارزات اجتماعی و این هاست. پس، اول این که در آن جدّ و جُهد و تلاش و تحرک باشد. دوم این که، در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه، در آن جا که دشمن نیست معنا ندارد.

بیانات در شروع درس خارج فقه؛ ۱۳۷۳/۰۶/۲۰

جهاد یعنی تلاش برای مقابله با دشمن

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول

جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص): ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

انواع جهاد

کسی خیال نکند که جهاد همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. اینجا نعم الهی هستند و شما باید از این فرصتها استفاده کنید. این فرصتها، از شما مجموعه‌ای به وجود آورده است که افرادش می‌توانند به آن کمال بشری برسند. البته هم می‌توانند برسند و هم می‌توانند نرسند. مبدا کسی خیال کند که «الحمد لله بار ما بسته است» شما این امکان و این لباس و کفش مخصوص کوهنوردی و این عضله‌ی قوی را دارید. حالا این گوی و این میدان! می‌توانید بروید و می‌توانید نروید. بعضی با همین امکانات، به جای این که به طرف اوج بروند، بر می‌گردند به طرف تنزل که شقاوت عظیمی است. خداوند ما را از این که دچار چنین وضعی شویم ننگه دارد. پس، اینجا امکانات شماست.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه: ۱۳۷۳/۰۶/۲۹

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده میکند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی میکنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». و فرمود: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین». اینجا وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی أمره». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج

خود را نشان می‌دهد. یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر: ۱۳۸۷/۰۷/۱۰.

جهاد فکری

یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هرکس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص): ۱۳۷۵/۰۳/۲۰.

جهاد علمی و عملی

اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معلم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند. یکی این که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این که در سازندگی نفس خود کوشش کنند. «و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون»؛ فلاح و رستگاری به

این است که همه‌ی ما راه توجّه به خدا، تضرّع و توسّل به پروردگار را به عنوان یک راه روشن داشته باشیم. هیچ کلام به تنهایی کافی نیست. مبدا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی فقط با ذکر خدا گفتن آباد خواهد شد؛ ابتداً باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

بیانات در دیدار مردم ساری؛ ۱۳۷۴/۰۷/۲۲.

قدرت تحلیل سیاسی، جهاد علمی، علم و دین

ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته‌ی آفت زار، نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در درجه‌ی اول، دانشجویان و دانشگاهیانند. امروز در حالیکه نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است، طراحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نوخاسته‌ی کشور انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جداکنند. دستهای طرار و مغزهای مکار و دلارهای بیشمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل‌اند. با اینحال جوانان دانشور، طلبه و دانشجوی، و اساتید متعهد، دانشگاهی و روحانی، باید مسئولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمانگرایی به مسابقه‌ی الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.

پیام به گردهمایی وزعی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۷۸/۰۳/۱۲.

جهاد متقوم بر دو رکن جد و جهد و مقابل دشمن بودن

پس، جهاد متقوم بر این دو رکن است: یکی این که در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر این که در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جدّ و جهد کند، این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است.

بیانات در شروع درس خارج فقه؛ ۱۳۷۳/۰۶/۲۰.

جهاد حقیقت زندگی است

جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی این که ما این هدف ها را ترسیم کنیم و ارزش هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه ی قوا بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنا ندارد؛ و الا اگر انسان از ارزش هایی - آن ارزش ها هر چه می خواهد باشد - خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد.

بیانات در دیدار اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۲۹/۱۱/۱۳۷۰

در این نوع زندگی، هر چه می گذرد انسان احساس می کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است... در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می کند، می بیند فرسنگ ها به هدف نزدیک شده است. لذا حسرت ندارد و احساس لذت می کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان ها و هدف های والا.

بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱

جهاد در اولین ردیف فهرست کارهای واجب

اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می دهد. «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است. خدا مظهر کامل آن همه ایستادگی در مقابل قدرتهای ستمگر و ظالم است. سالهای متمادی، مستکبران و قلدران و زورگویان عالم سعی کردند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند؛ جهاد را زشت کنند؛ مجاهده ی فی سبیل الله را از چشمها بیندازند و هرجا گروهی در راه خدا قیام کرد و کمر به خدمت بست و برای خیر بشریت و آبادی روی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرد، متهمش کنند.

بیانات در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر: ۲۸/۱۰/۱۳۷۷.

جهاد ابزاری برای تسریع در رسیدن به اهداف الهی

در سنت الهی، اراده ی انسان تعیین کننده است. اینکه اسلام انسانها را به

مجاهدت دعوت می‌کند- «و جاهدوا فی سبیل الله» یا «و جاهدوا فی الله حقّ جهاده»؛ یعنی همه‌ی ظرفیت خود را در راه مجاهدت مصرف کنید- به خاطر این است که اگر به این توصیه‌ی الهی عمل کردیم، به هدف الهی زودتر خواهیم رسید. هدف الهی، ثابت و قطعی و تخلف‌ناپذیر است. اگر ما عمل نکنیم، دیگران می‌آیند و عمل می‌کنند: «من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه». خدای متعال این راه و این سرمنزل و این سرنوشت را قطعی قرار داده است.

بیانات در جمع مسئولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده‌ی نبی اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)؛

۱۳۸۱ / ۰۳ / ۰۹

شیخ مفید و ابعاد جهاد علمی

شیخ مفید در سلسله‌ی علمای امامیه، فقط یک متکلم و فقیه سر آمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، وی مؤسس و سرچلقه‌ی جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته‌ی کلام و فقه، تا امروز در حوزه‌های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود برکنار نماندن از تأثیرات تاریخی جغرافیایی و مکتبی، ویژگیهای اصلی و خطوط اساسی آن همچنان پابرجاست مانده است. تبیین و اثبات این نکته از آن‌جا اهمیت می‌یابد که این جریان علمی، در دوران متصل به زندگی شیخ مفید تا نزدیک به نیم قرن پس از درگذشت او، به چنان تحول و تکامل سریع و شگرفی نائل گشته که در برابر آن، نقش تأسیسی شیخ مفید مورد غفلت قرار گرفته است. در این نکته، تأکید اصلی بر این است که تلاش علمی ممتاز و درخشان شاگرد برجسته‌ی شیخ مفید یعنی سید مرتضی علم الهلی (متوفی در ۴۳۶ هـ) و اوج قله‌ی رفیع همین سلسله در عهد شیخ الطائفه محمدبن الحسن الطوسی متوفی در ۴۶۰ هـ در واقع ادامه‌ی جریان‌ی است که سرچشمه و مؤسس آن محمدبن محمدبن النعمان المفید بوده است. برای تبیین این نکته لازم است نقش مؤثر و تعیین کننده‌ی مفید:

۱. در تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)

۲. در بنیانگذاری شکل و قالب علمی صحیح برای فقه شیعه

۳. در آفرینش شیوهی جمع منطقی میان عقل و نقل در فقه و کلام ... تعریف شود. بنای رفیعی که فقهاء و متکلمین شیعه در طول ده قرن گذشته برافراشته و گنجینهی بی نظیری که از آثار علمی خود پدید آورده‌اند همه بر روی قاعده‌یی است که شیخ مفید با این سه بعد جهاد علمی خود پی افکنده است.

پیام به کنگرهی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید: ۱۳۷۲/۰۱/۲۸.

جهاد علمی، رسالت اول دانشگاهیان

بی شک بخش مهمی از گناه عقب ماندگی علمی کشور در دوران بیش از پنجاه سال حکومت رژیم فاسد همچون سهم بزرگی از بی لیاقتی کارگزاران آن رژیم که در سایه‌ی چنین تفکری پرورش یافته بودند، بر دوش کسانی است که دانشگاه کشور را آنگونه می‌خواستند و برای آن برنامه ریزی میکردند. انقلاب اسلامی، جهتگیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزشهای اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد. امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهتگیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالندهی کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آن که بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان میبرد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که بوسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاهدارد. تأکید مکرر امام راحل بر اسلامی شدن دانشگاه، برای این بود که نسل جوان تحصیلکرده‌ی کشور از این احساس ناتوانی و نیاز نجات یابد و به نجات کشور از تبعات وابستگی دوران گذشته همت گمارد.

پیام به گردهمائی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره): ۱۳۷۸/۰۳/۱۲.

زنده نگاه داشتن جهاد مسئولیت رهبری

مملکت، مملکت جهاد فی سبیل الله است. از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم ببینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ ببینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوی‌ش را بگیرم. مسئولیت اصلی حقیر همین هاست. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، ۱۳۷۵/۴/۲۰.

بسیج عرصه جهادی است

عرصه‌ی حضور بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه‌ی نظامی است. اینی که من بارها گفتم و تکرار می‌کنم که نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه‌ی جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هلف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد. لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله»؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه‌ی تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریح‌تان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پریول و پردرآمد- به قول فرنگی‌ها پول‌ساز- بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده‌ی علمی را به دست بیاورید و مثل دسته‌ی گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است. پس عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیایی کشور است، نه مختص یک زمانی دُونَ زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ای دُونَ عرصه‌ی دیگری است. در همه‌ی جاها، در همه‌ی مکان‌ها، در همه‌ی زمان‌ها، در همه‌ی عرصه‌ها و در همه‌ی قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها: ۱۳۸۹/۰۴/۰۲.

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است. این مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادی اسلامی در همه‌ی دنیاست. این مجاهدت خطراتی دارد. بالاترین خطر برای انسان، جان باختن است. در مکتب بسیج، نام این جان باختن «شهادت» است. شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش‌های معنوی است. در روایت وارد است: «فوق کل ذی برّ برّ حتی یقتل الرجل فی سبیل الله»؛ بالاتر از هر فضیلتی، ارزشی و معنوی، ارزش دیگری وجود دارد، تا وقتی که فرد به شهادت می‌رسد، که بالاترین ارزشهاست. آن معنای جهاد است و این معنای شهادت است.

بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج: ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

جهاد و شهادت دو فصل بزرگ حرکت بسیجی

افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت سعی کردند جهاد را بدنام کنند. الآن می‌دانید در کشورهایی از منطقه‌ی ما، سعی امریکایی‌ها بر این است که آیات جهاد را از کتابهای درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولتهای ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. می‌خواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت‌های اسلامی و امت اسلامی و بزرگترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است. شهادت را به عنوان یک عمل ساده‌لوحانه معرفی کردند، که خود برترین ارزشهایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی می‌تواند اثر خودش را به‌طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی است. بسیجیان عزیز ما تا امروز پیشرفت‌های خوبی کرده‌اند؛ این پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند. مطمئناً این الگو در کشور عزیز ما دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. امروز مسائل ایران با مسائل دنیا مرتبط است.

بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج: ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

شروط لازم برای جهاد

من در این جمع پُرشور و صمیمی و مؤمن، مطلبی را عرض می‌کنم که از امهات مسائل فکری ماست. در اسلام، نقطه‌ی اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزنند، فرمود: «قوا انفسکم»، «علیکم انفسکم». خودتان را مراقبت کنید، به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید؛ «قد افلح من زکّیها». اگر جامعه‌ی اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه‌ی انسانها شروع نشده بود و در آن به اندازه‌ی لازم، آدم‌های مصفا و خالص و بی‌غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانه‌ی عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد. اگر انسانهای مزکی و مصفا نباشند، جهاد نیست.

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود. مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین‌طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادتها و مقاومتها و به استقبال خطر رفتنها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و امریکا را خوار نمود. سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم؛

۱۳۶۹/۰۵/۲۴

همه عرصه‌های زندگی عرصه‌ی جهادی است

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛

انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند.
بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام: ۱۳۸۶/۰۵/۲۸.

جهاد در همه میدان‌ها جاریست

امروز هم مجاهدت جوانان و برگزیدگان در میدان‌های دیگر لازم است: میدان سازندگی، میدان آگاهی از کید دشمنان، میدان تلاش برای خودسازی علمی و اخلاقی، میدان ایجاد امید در مردم و مبارزه با دیو یأس، میدان مبارزه با تبلیغات دشمنان مستکبر، میدان وحدت و همکاری و همکاری و همیستگی ملی.

پیام به مناسبت سومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر روز «ایثار و شهادت»، ۱۳۷۳/۱۱/۱۳.

جهاد معنوی و جهاد اکبر وظیفه بزرگ ملت ایران

آنچه که ما باید فراموش نکنیم و همیشه به یاد داشته باشیم، این است که ببینیم وظیفه‌ی ما در این برهه‌ی از زمان چیست و در مقابل نعمت الهی چه وظیفه‌ای داریم. امروز وظیفه‌ی بزرگ ملت ایران، جهاد معنوی و جهاد اکبر است. نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از آنکه از یکی از جنگ‌هاشان برگشتند و در آن جنگ هم پیروز شده بودند و مسلمانان خوشحال بودند که کار بزرگی انجام داده‌اند، به آن‌ها فرمودند که شما از جهاد کوچک برگشته‌اید؛ حالا وقت جهاد بزرگ است. مسلمانان تعجب کردند و گفتند: جهاد با این سختی، راه به این دوری، گرمای تابستان، دشمن با آن عظمت، ما برگشتیم؛ این تازه جهاد کوچک است؟! پس جهاد بزرگ چیست یا رسول الله؟! فرمود: جهاد با نفس. این، جهاد بزرگ است.

سخنرانی در دیدار با خانواده‌های شهدای شهرهای پاکدشت، ممقان، کیبودرآهنگ، آستانه‌ی اشرفیه، لنجان، رابر کرمان، تهران، ۱۳۷۰/۰۷/۱۷.

موانع جهادی؛ سنتی الهی

همه‌ی این موانع جزو سنتهای الهی است. وجود این موانع تصادفی نیست. این‌ها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه

است، و الاّ جهاد معنا نمی‌داشت: «و کذلک جعلنا لكلّ نبیّ عدواً شیاطین الاّ انس و الجنّ یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا»؛ در همه‌ی دعوت‌های انبیا، دشمنان- موانع- از جن و انس وجود داشتند. در آیه‌ی دیگر: «و کذلک جعلنا فی کلّ قریة اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون الاّ بانفسهم». در درون جوامع، طبقاتی که وجود آن‌ها مایه‌ی فساد، مایه‌ی مکر بوده است؛ این‌ها جزو سنت‌هاست. یعنی هرگز انبیا ن‌گفتند ما آن‌وقتی که جاده صاف است وارد میدان می‌شویم؛ نه، در همین فضا و صحنه‌ی به‌شدت درگیر و دشوار، آن‌ها وارد شدند؛ مثل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیوار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز: ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

دشوارترین نوع جهاد و مبارزه

در حادثه‌ی عاشورای امام حسین علیه‌السّلام، حتی کسانی مانند «عبد الله بن عبّاس» و «عبد الله بن جعفر» که خودشان جزو خاندان بنی هاشم و از همین شجره‌ی طیّبه‌اند، جرأت نمی‌کنند در مکه یا مدینه بایستند، فریاد بزنند و به نام امام حسین علیه‌السّلام، شعار بدهند. چنین مبارزه‌ای، غریبانه است و مبارزه‌ی غریبانه، سخت‌ترین مبارزه‌هاست. همه با انسان، دشمن. همه از انسان، روی‌گردان. در مبارزه‌ی امام حسین علیه‌السّلام، حتّی برخی از دوستان هم معرضند. چنان‌که به یکی از آن‌ها فرمود: «بیا به من کمک کن.» و او به جای کمک، اسبش را برای حضرت فرستاد و گفت: «از اسب من استفاده کن!» غربت از این بالاتر و مبارزه از این غریبانه‌تر؟! آن وقت در این مبارزه‌ی غریبانه، عزیزترین عزیزانش در مقابل چشمش قربانی شوند. پسرانش، برادرزاده‌هایش، برادرانش و پسرعموهایش؛ این گلهای بنی هاشم، پرپر شوند، و در مقابلش روی زمین بریزند و حتّی کودک شش ماهه‌اش هم کشته شود!

بیانات در جمع روحانیون استان «کهکیلویه و بویراحمد» در آستانه‌ی ماه محرم: ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

جهاد برای چی؟ برای کی؟ چه زمانی؟

بعد از ایمان آوردن به اسلام، آنچه که مطرح می‌شود، حفظ

خط‌کشی‌های اسلام است. «و من يتعدّ حدود الله فأولئك هم الظّالمون» (۲۳۵). تعدی از حدود الهی، جایز نیست. اسلام و خط‌کشی‌ها را دقیق معین کرده است. اگر کسی هم فکر کند که اسلام خط‌کشی نکرده است، باید خودش را ملامت کند و برود معلوماتش را زیاد نماید. حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آن وقتی سربلند است که بتواند حدود الهی را حفظ کند.

عَبَاد بَصْرِي، امام سَجَاد (سلام‌الله‌علیه) را در راه حج دید و عرض کرد: «ترکت الجهاد و صعوبته و اقبلت على الحجّ و لينه». یعنی جهاد و سختیهایش را رها کرده‌ای و سراغ حج آمده‌ای که کار آسانی است؟! این آیه را هم برای حضرت خواند: «ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون». او برای امام سَجَاد (ع) آیه‌ی قرآن می‌خواند که چرا شما عوض جهاد، به حج می‌آیید؟! جهاد زیر پرچم چه کسی؟ عبد الملک مروان! یعنی امام سَجَاد (ع) زیر پرچم عبد الملک برود و جهاد کند؟ آیا این جهاد است؟ حضرت فرمود: دنبال‌های این آیه را بلدی؟ عرض کرد: بله. فرمودند: بخوان. خواند: «التّائِبون العابدون الحامدون السّائِحون الرّاکعون السّاجدون الّآمرون بالمعروف و النّاهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله». حضرت فرمود: هر وقت که تائبون، عابدون، حامدون، سائِحون، راکعون، ساجدون، آمرون بالمعروف، ناهون عن المنکر و حافظون لحدود الله سر کار آمدند، من زیر پرچم آن‌ها می‌روم و آنگاه جهاد خواهم کرد؛ حالا روز جهاد نیست. حدود را بشناسید و طبق آن عمل کنید. هرچه که حد الهی است، آن درست است.

بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی: ۱۰/۱۰/۶۹.

بهره‌های جهاد فی سبیل الله

بهره‌ی مورد نظر [از جهاد] چیست؟ آن بهره دو بخش دارد: یک بخش شخصی دارد که این اصل قضیه است. (این را توجه کنید!) قسمت اعظم مجاهدت در راه خدا، برای شخص خود شماست. «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذا هتدیتم» مائده/۱۰۵ اصل قضیه این است که ما باید به

عنوان یک بنده ی خدا، از عهده ی بندگی خدا برآییم... تلاش و جهادی که می کنیم، سازندگی، خودسازی و دیگرسازی، که به دنبالشان می رویم، خدمتی که به خلق می کنیم، اقامه ی عدلی که می کنیم، حکومتی که به راه می اندازیم، همه در درجه ی اول، برای این است که پیش خدای متعال به عنوان یک بنده بتوانیم عرض کنیم: «پروردگارا! ما حق بندگی تو را تا حدی که توانستیم به جا آوردیم»... پس در درجه ی اول تلاش مورد نظر است. در درجه ی دوم، مسائل دیگر مورد نظر است؛ مثل نجات بشریت، اقامه ی حکومت عدل و حق و ایجاد راهی که بشر بتواند از آن راهی به خدا و هدایت برسد.

بیانات در دیدار فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران، ۲۹/۶/۱۳۷۳

مجاهدت فقط برای خدا

یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی عملی و بی تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می گوید به ما چه! کج رویهای برخاسته از هوس نیز همین طور است. انسان به این ها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۲/۰۹/۱۳۷۹.

پیروزی قطعی در گرو مجاهدت فی سبیل الله

امید به پیروزی در همه ی شرایط [لازم] است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت

نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می تواند در راه آن مجاهدت کند.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

دفتر پنجم: جهاد فرهنگی

جهاد فرهنگی واجب تر از واجب

اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت این طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هرچه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با امریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمی‌کنند. خیلی ملت‌ها هستند که قرآن هم می‌خوانند، نماز هم می‌خوانند، عبادت هم می‌کنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمی‌کنند که هیچ، با آن‌ها دوستی هم می‌کنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده است. اینجاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب می‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان: ۱۳۷۷/۰۲/۱۵.

جنگ فرهنگی

بلاشک جمود و تحجر هرجا باشد، یک مشکل است و راه از بین

بردنش هم این است که شما که دانشجویان هرچه می‌توانید به کیفیت فکری خودتان در زمینه‌ی دانش و معرفت بیفزایید. هریک نفر از شما، وقتی که اهل دانش، فرهنگ، فرزاندگی، روشن‌فکری و فرهیختگی است، می‌تواند این مفاهیم را در عمل گسترش دهد؛ یعنی درست نقطه‌ی مقابل جوّ جمود و تحجّر. اگر بخواهیم با جمود بجنگیم، جنگ با جمود این گونه است؛ یعنی جنگ فرهنگی است. جنگ با جمود، جنگ شمشیری نیست؛ چون از مقوله‌ی فرهنگ است. تحجّر و جمود هم نوعی فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روشهای فرهنگی با آن مقابله کرد. به نظر من، دانشجویان می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران: ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

جنگ فرهنگی عرصه‌ای فراگیر و پیچیده

با تحولات عظیم ارتباطاتی که امروز در دنیا بوجود آمده، جنگ فرهنگی به عرصه‌ای با ابعاد مختلف و فراگیر و پیچیده تبدیل شده است.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

جهاد فرهنگی پایه و اساس سایر جهادها

کسانی که اهل باطل و سازش‌اند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را - اگر حل شد - حل کنند. کسانی که اهل حق‌اند، این طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ای ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی این‌ها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود.

بیانات در دیدار با اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان: ۱۳۶۹/۱/۲۲

تبلیغات و جنگ فرهنگی

استکبار بر روی تبلیغات، خیلی حساب می‌کند و البته این غلط هم نیست! به یک معنا دستگاه استکبار، اشتباه هم نمی‌کند که بر روی تبلیغات حساب می‌کند. هم در زمینه‌های سیاسی، که ما وقتی در زمینه‌ی سیاسی بحث می‌کنیم، جبهه‌ی مقابل را تعبیر به «استکبار»

می‌کنیم که این نام‌گذاری دلایلی دارد و هم وقتی در جبهه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی بحث می‌کنیم، جبهه‌ی مقابل را «فرهنگ غربی» یا «فرهنگ تهاجم» می‌گوییم که این نام‌گذاری هم باز دلایل خودش را دارد فعلاً بحث من بر سر مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی است. در واقع استکبار، تبلیغات را میدان‌دار مبارزه علیه خط و ربط و جهت‌گیری ملت مسلمان کرده است. نه اینکه بخواهیم بگوییم از حالا، بلکه از همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب، این کار شد. منتها در واقع، اقبال با استکبار نبود؛ کمالینکه امروز هم در این جهت، اقبال با استکبار نیست! آن‌ها که روی تبلیغات حساب می‌کنند، از این باب است که اثر تبلیغات را در دنیا دیده‌اند. فرض بفرمایید که تبلیغات در این قضایای تبدیل و امحای نظام‌های مارکسیستی در اروپای شرقی، نقش خیلی عجیبی داشت. ما بخصوص بعضی از این قضایا را با دقت دنبال می‌کردیم و اثر تبلیغات را لحظه به لحظه می‌دیدیم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه: ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

جهاد برای اسلامی‌سازی فضای فرهنگی جامعه

«سینمای اسلامی» یعنی چه؟ یعنی ما می‌خواهیم محتوای این تکنیک، این قالب و این هنر را که از دیگران گرفته‌ایم مثل خیلی چیزهای دیگر اسلامی کنیم. ما می‌خواهیم از قالب این، هرچه را که با اسلام منافات دارد، حذف کنیم. چه مانعی دارد این گفته شود؟! چرا گفته نمی‌شود که ما در هنرهای نمایشی مان و در دانشگاه و در فلان برنامه، کارگردان مسلمان می‌خواهیم؟! به این معنا تصریح شود که ما می‌خواهیم کارگردان مسلمان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر مسلمان درست کنیم و فضای جامعه را اسلامی کنیم. چرا این تصریح نمی‌شود؟! چرا در محیط دانشگاه تصریح نمی‌شود که ما می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟! من چند سال قبل، این را مطرح کردم. البته اطلاع دارم که آقایان جلساتی دارید؛ این شاء الله که این جلسات به نتایج خوبی هم برسد. من می‌گویم از اینکه شما بگویید «ما می‌خواهیم دانشگاه، اسلامی باشد»، خجالت نکشید و از این نترسید. این، آن چیزی است که این ملت برای آن قیام کرده است و من

و شما پوسته‌ی رویی و ظاهر این ملت هستیم. اراده‌ی ما، فکر، گمان و روحیات ما حاکی از اعماق عظیم قشرهای این ملت نیست! قشرهای ملت، همان کسانی هستند که این انقلاب را به وجود آوردند، این جنگ را اداره کردند و این همه شهید دادند. الآن هم حاضرند؛ اگر امتحانی پیش آید، همان‌طور شهید خواهند داد، کشته خواهند شد و گرسنگی خواهند کشید. مردم، مؤمنند.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

جهاد فرهنگی، جهاد با سلطه یا جهاد بر سلطه؟!

یک وقت شاید به بعضی از آقایان این قضیه را دوستانه گفته باشم که در سالهای اول انقلاب که شور و هیجان و جوشش عجیبی وجود داشت، با یکی از این شعرای سابق صحبت می‌کردم. او حقاً آدم بی‌ارزشی بود و ثابت کرد که از لحاظ ارزشهای انسانی و اجتماعی و معنوی و تاریخی، واقعاً بی‌ارزش است. افرادی همچون او، نه پس از پیروزی انقلاب، که در دوران مبارزات مردم هم نشان دادند که خیلی سبک و کم‌وزن هستند؛ هرچند طبع شعرشان بعضاً خوب بود. من به او گفتم: الآن واقعاً انتظار مردم و انقلاب و کشور از شما، این است. او به من گفت: ما فکر می‌کنیم که شاعر بایستی بر سلطه باشد، نه با سلطه! این، معیاری شده بود که باید بر سلطه بود، نه با سلطه. یعنی اگر پیامبر (ص) یا امیر المؤمنین (ع) هم در رأس کار بودند، آدم باید به آن‌ها بد بگوید؛ چون باید بر سلطه بود، نه با سلطه! خود این معیار، نشان‌دهنده‌ی بیماری و عدم سلامت شخص است. من به او گفتم: اشکالی ندارد، شما بر سلطه باش. امروز ملت ایران، مجموعه‌ی مستضعفی هستند که با سلطه‌های ظالم جهانی دارند می‌جنگند. سالها به ما زور گفتند، قرن‌ها به ما ستم کردند. بعد از قرن‌ها، این ملت سری بلند کرده‌اند و با فداکاری و با خطر کردن، راهی را انتخاب کرده‌اند و دارند می‌روند؛ اما نمی‌گذارند، اذیت می‌کنند، روی مردم فشار وارد می‌آورند، واقعاً نامردمی می‌کنند و قوانین انسانی را زیر پا می‌گذارند. به او گفتم: این سلطه است؛ با این سلطه بجنگ. البته معلوم بود که آماده نیستند و نمی‌خواهند چنین کاری را بکنند؛ به خاطر اینکه

هیچ وقت با مردم همدلی نداشتند. این آقایانی که در آن دوران اختناق، داعیه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی داشتند، غالباً اهل مبارزه نبودند. ادعایشان یک دروغ و یک فریب بود، وسایل فریب هم آن روز در اینجا فراهم بود، بعد هم همین طور ادامه پیدا کرد.

بیانات در دیدار شعری سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۹/۱/۳۱.

نمونه‌های جهاد فرهنگی علیه اسلام

مبارزه‌ی قدرتهای استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره‌ای وسیع‌تر، هم با روشهای سیاسی و تبلیغاتی، و هم با روشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد. فشار و سخت‌گیری بر مبارزان و آزادی‌خواهان و علما و روشن‌فکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیمهای وابسته به امریکا، و نیز سخت‌گیری نسبت به اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی، نمونه‌های بارز مبارزه‌ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه‌ی فیلمهای اهانت‌آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و غیر اسلامی، نمونه‌های مبارزه‌ی فرهنگی با اسلام است. اکنون دولتهای استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پولهای گزافی را در راه این خصومت‌های جنایت‌آمیز خرج می‌کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گزاری و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می‌گیرند.

پیام به کنگره عظیم حج؛ ۱۳۶۸/۴/۱۴.

بسیج و جهاد فرهنگی

مگر مجموعه‌ی بسیجی-آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب- می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجویهای بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه کار نشوید و همواره دانشجوی

و بسیجی- به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش- باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از امریکا نیست. امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؟ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی. بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچک‌ترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.

چطور دشمن را بشناسیم؟ چطور تمایلات او را کشف کنیم؟ چطور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید.

بنابراین محافظه کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کار سختید؛ بسیجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها: ۸۶/۲/۳۱

مبلغان فرهنگی و جریان کارزار فکری فرهنگی

الآن، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هرکس بتواند بر این صحنه‌ی کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه‌ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الآن دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد. کم هم نیستند قلم‌به‌مزدها و فرهنگی‌های دین و دل و وجدان باخته و نشست‌ی پای بساط فساد استکبار چه غالباً و اکثراً در خارج کشور و چه تک‌توکی در داخل کشور که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می‌کنند. نبرد فرهنگی را با مقابله‌ی به مثل می‌شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می‌گوییم، تا مسئولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرستان، تا دانش‌آموزتان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شما هستید و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد. مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد.

در جنگ فرهنگی هم، همین‌طور است. اگر ندانید که دشمن کار می‌کند، یا از آنکه می‌داند، فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است. رادیو، تلویزیون، مدارس،

وزارت ارشاد، روزنامه‌ها، مجلات و کلاً مجموعه‌ی بنای فرهنگی کشور، مسئولیت دارند. شما معلمان، مشخص است که سنگرتان کجاست. مسئولیتتان هم، مسئولیت بسیار بزرگی است. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسؤولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر: ۱۳۶۹/۰۲/۱۲.

مجاهدت فرهنگی علماء

ممکن است کسی هم برود، آن احساسات، آن ایمان و آن باور را در او تقویت کند، یا در کسی که آن چنان نیست، این ایمان را به وجود آورد و از او یک موجود اثرگذار فعال پیشرو آن چنانی بسازد. من به این نکته، متنبه شدم که اینکه می‌گویند: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»، معنایش این است. آن عالم است که می‌تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم به اصطلاح رایج امروز، از این سخت‌افزار موجود بشری یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و مقاوم بسازد. یک عالم می‌تواند این کار را بکند؛ «مداد العلماء»، واقعاً «افضل از دماء شهدا» است. برای خاطر اینکه همین جوانان طلبه‌ی ما در میدان جنگ آن گروه رزمی تبلیغی به میدان جنگ می‌رفتند من بارها آن‌ها را در آنجا مشاهده کردم و انسانها و آدم‌های معمولی را تبدیل به آدم‌های مقاوم می‌کردند؛ انسانهای سست را تبدیل به آدم‌های قرص و انسانهای متزلزل را تبدیل به انسانهای ایستاده‌ی دارای مقاومت می‌کردند. این نقش فرهنگ است. حالا شما همین را در وضع کل کشور، تعمیم دهید.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۸/۲۳/۰۹.

شهید فرهنگی

علی‌ای حال، من توقّع از همه‌ی حضرات عزیز و دوستانی که در این مجموعه تشریف دارند، این است که مسأله‌ی فرهنگ و مسأله‌ی صف‌آرایی فرهنگی در مقابل دشمن را جدی بگیرید. این وظیفه‌ی ماست. این آن چیزی است که بنده هم اگر در راه آن کشته شدم، احساس

می‌کنم که در راه خدا کشته شده‌ام. هر کس در این راه کشته شود، در راه خدا کشته شده و هرکس در این راه، زحمتی متحمل شود، در راه خدا متحمل شده است. مسئله، مسأله‌ی کوچکی نیست؛ دشمن ما را از اطراف، محاصره می‌کند از طریق کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون‌ها، صداهای بیگانه و خبرگزاری‌ها و جعل خبر و تولید انواع و اقسام وسایل فرهنگی ما همین‌طور بنشینیم و احياناً هماهنگی و هم‌صدایی کنیم! اینکه نمی‌شود. نظام اسلامی بایستی از خودش دفاع کند و برای دفاع از حقیقت اسلام و انقلاب، حرف گفتنی و سرمایه و ذخیره‌ی فرهنگی هم زیاد دارد و مرکزش هم همین مجموعه‌ی شماسست. من این مجموعه را مجموعه‌ی مهمی می‌دانم.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

شورای عالی انقلاب قرارگاه فرهنگی

باید خود اعضا و دستگاه‌های فرهنگی قبول کنند و باور داشته باشند که ما این جایگاه را به‌عنوان یک قرارگاه مرکزی [قرار دادیم]. تعبیر «قرارگاه» ممکن است به بعضی گوشها سنگین بیاید - قرارگاه یک اصطلاح جنگی است، اصطلاح نظامی است - و بگویند آقا، قرارگاه مال مسائل نظامی است، شما در مسائل فرهنگی هم فکر نظامی را رها نمی‌کنید! واقع قضیه این است که کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم‌تر نباشد و اگر خطرناک‌تر نباشد، کمتر نیست؛ این را بدانید؛ یعنی میدانید هم شما، واقعاً یک میدان کارزار است اینجا. و بخصوص در قرارگاه‌های نظامی این جوری است؛ قرارگاه مسئولیت اجرای مستقیم به معنای اینکه یک واحدی متعلق او باشد، ندارد؛ اما واحدها در اختیار او قرار می‌گیرند، به تعبیر نظامی در کنترل عملیاتی او قرار می‌گیرند. وقتی ما یک قرارگاه نظامی تشکیل می‌دهیم، فرض بفرمایید سپاه می‌گوید این یگانهای من در کنترل عملیاتی آن تشکیلات [هستند]، پشتیبانی این یگان، متعلق به آن سازمان است - یا ارتش، یا سپاه، یا هر دستگاه دیگر - اما به‌کارگیری این و هدایت این، به عهده‌ی قرارگاه است؛ یعنی یک چنین حالتی را در

اینجا بایستی توجّه داشت.

دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹.

مجاهدت فرهنگی برای ایجاد اندیشه‌ی صحیح

من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. این‌ها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیّت، اسلامیت و صفتهای اسلامی عناد و دشمنی دارند. قرآن می‌گوید: «اَشْدَاءُ عَلَى الْكَفَّارِ»؛ مسلمانان بایستی نسبت به کفار سخت‌گیر باشند. این کفار کجا هستند؟ هر غیر معتقد به اسلام کسی نیست که باید نسبت به او سخت‌گیر بود و شدّت گرفت. قرآن می‌گوید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ کسانی که با شما سر ستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، و لو از دین دیگری باشند، با آن‌ها نیکی کنید و رفتار خوب داشته باشید؛ کافری که با او باید شدید بود، این نیست. «أَنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ». باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیّت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزّت، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزشهای شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه‌ی ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد.

بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان: ۱۳۸۱/۱۲/۰۶

دفتر ششم: عزم ملی

عزم ملی، شجره طیبه انقلاب اسلامی

دشمنان نظام جمهوری اسلامی به خودشان وعده میدادند که در ظرف یک ماه، دو ماه، یک سال حداکثر، نظام جمهوری اسلامی را از پا خواهند انداخت و همه‌ی تلاش را برای یک چنین مقصودی به کار بردند. واقعاً روزیه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزیه‌روز این سالهای پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، میتواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد. آن همه توطئه، آن همه فشار به شکلهای گوناگون و ایستادگی ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک لمعه‌ای و لمحهای از انوار طیبه‌ی نبوتها در وجود او خدای متعال قرار داده بود. امام بزرگوار ما، این مرد بزرگ، دنباله‌ی همان راه را، همان کیفیت راه، همان حرکت را به کار گرفت، ملت ایران هم وفاداری نشان دادند، صلق نشان دادند، در صحنه ماندند، فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را فائق کردند بر توطئه‌ی دشمن. لذا این شجره‌ی طیبه ماند، ریشه دواند، رشد کرد و ان شاء الله روزیه‌روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد شد.

بیانات در سالروز میلاد نبی اکرم (ص) ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

عزم ملی مصنوع ید قدرت الهی

خدا با شماست، خدا با شماست. «من كان لله كان الله له»؛ وقتی ملت در راه خدا حرکت میکند، خدا به او کمک میکند، سنتهای الهی به او کمک میکنند. دلهای مردم دست خداست. این عزم و اراده‌های راسخ، مصنوع ید قدرت الهی است و ان شاء الله خدای متعال در این انتخابات هم به این مردم کمک خواهد کرد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان؛ ۱۳۹۰/۱۱/۲۶.

عزم ملی، صراط مستقیم انقلاب اسلامی

سی و سه سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد. در انقلابی‌هایی که در دنیا وجود داشته، با گذشت این زمان، مردم خسته شدند، دلزده شدند، راه‌ها عوض شده، هدفها تغییر پیدا کرده. ملت ما در طول این زمان، با یک عزم راسخی، حرکت مستقیمی را تا امروز ادامه داده؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است. بعد از سه دهه، سر سی و سه سالگی نشان بدهد که باز همان خصوصیت را دارد.

بیانات در مصاحبه هنگام اخذ رأی در انتخابات مجلس نهم؛ ۱۳۹۰/۱۲/۱۲.

عزم ملی رمز بطلان انزوای دین از زندگی اجتماعی

گشایش نهمین دوره‌ی قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی - به خواست خداوند حکیم و قدیر - پیام پرقدرتی است که ملت ایران، جهان معاصر را با آن مخاطب می‌سازد و حقایق ماندگاری را در حافظه‌ی افکار عمومی ملت‌ها ثبت می‌کند. پیروزی عزم ملی بر حجم انبوه دشمنی‌ها، ساخت استوار و مستحکم نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، نقش یگانه و بی‌بدیل ایمان و بصیرت در شکل‌دهی به مسیر زندگی و سرنوشت یک ملت و آن‌گاه، تصویر راستین از ملتی که برای نخستین بار مردم‌سالاری اسلامی را نه با زبان، که با مجاهدت دشوار خود به میدان آورده و دعوی انزوای دین از زندگی اجتماعی را باطل ساخته، از جمله‌ی این حقائق اثرگذار و ماندگار است.

پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۹۱/۰۳/۰۷.

انفعال دشمن در گرو عزم ملی

برخلاف آنچه که وانمود میشود که آنها در موضع فعال قرار دارند، نه، اینجور نیست؛ دشمن در مقابل ملت ایران در موضع انفعال است. ملتی با عزم راسخ، با بصیرت، با ایمان، میدانند چه میخواهد، راه را هم بلد است، سختی‌ها را هم با شجاعت تمام تحمل میکند؛ در مقابل این ملت، اسلحه‌های گوناگون سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی کُند است؛ لذا دشمن در حال انفعال است. دشمنان چون در حال انفعالنند، حرکات غیر منطقی میکنند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

ذخایر معنوی پشتوانه‌ای مستحکم برای عزم ملی

آنچه یک ملت از این طریق و از طرق معنوی به دست می‌آورد، یک پشتوانه‌ای میشود، ذخیره‌ای میشود برای اینکه بتواند در همه‌ی میدانهای زندگی، با اراده‌ی راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود؛ بن‌بستها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه‌ی همه‌ی اینها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یکتنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده‌ی راسخ و ایمان و توکل، همه‌ی ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناتوانی و شکستگی، نیمه‌ی شب برمیکخاست، اشک میریخت. ما خبر داشتیم از نزدیکان ایشان که به همه‌ی خصوصیات زندگی ایشان واقف بودند، شنیده بودیم، اطلاع داشتیم؛ ایشان نیمه‌های شب برمیکخاست، از خدای متعال استمداد میکرد «رهبان اللیل» شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرانی می‌آمد توی میدانها، قدرتها را شکست میداد، ضعفهای ملت را برطرف میکرد، اراده‌های همه‌ی ما مردم را تقویت میکرد و راه می‌انداخت؛ به برکت آن پشتوانه‌ی معنوی.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵.

عزم ملی و پاسخگویی به ترفندهای دشمنان

برای وارد شدن در عرصه‌ی انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون

است؛ بر طبق قانون یک عده‌ای می‌توانند بیایند، یک عده‌ای نمیتوانند بیایند؛ قانون معین کرده شرایط چیست، صلاحیتها چیست؛ کسانی که تشخیص صلاحیت میدهند، چه کسانی‌اند؛ اینها همه‌اش بر طبق قانون دارد انجام میگیرد. آن دشمن بیرونی می‌نشیند، بر همه‌ی این واقعیتها چشم میبندد، حرفی میزند، و متأسفانه حنجره‌های بی‌تقوا و زبانهای بی‌تقوا هم همانها را تکرار میکنند. اما ملت ایران به توفیق الهی، با حضور خود، با ایستادگی و عزم راسخ خود، به همه‌ی این ترفندها پاسخ خواهد گفت؛ و پاسخ ملت ایران، پاسخ کوبنده و قاطعی خواهد بود.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی؛ ۱۳۹۲/۳/۱۴

عزم ملی سنگر فتح و نصرت

آنچه ملت ایران همواره و اکنون، از حضور انتخاباتی پرشور و بی‌تنش به دست آورده است، تنها نقش‌آفرینی در مدیریت کشور و برگزیدن و برکشیدن خدمتگزارانی تازه نفس برای دوره‌ئی تازه نیست، بلکه فراتر از آن، نشان دادن پختگی و بلوغ سیاسی‌ئی است که اقتدار ملی او را با حکمت و عقلانیت درمی‌آمیزد و او را در افکار عمومی جهان، در رتبه‌ی والاّی از عزّت و شکوه می‌نشانند. آنان که خواسته‌اند با وسوسه‌های خود، این دریادلی ستایش برانگیز را برآشوبند و مرجعیت صندوقهای رأی و چرخه‌ی قانونی آن را نفی کنند، هر بار به گونه‌ئی، با سنگر استوار عزم ملی روبرو شده‌اند.

متن حکم تنفیذ یازدهمین دوره‌ی ریاست‌جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۲/۵/۱۲.

عزم ملی در حوزه فرهنگ چیست؟

آنچه نقطه‌ی مهم‌تر عرض من است، خطاب به جوانهایی است که در سرتاسر کشور فعالیتهای فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند که بحمدالله خیلی هم وسیع شده است. من می‌خواهم بگویم آن جوانهایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استانهای مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی میکنند، با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آنها ناشی

شده است که از بعضی از آنها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هرچه میتوانند به طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوانهای مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است. علاوه بر اینها، مراجع فرهنگی. مراجع فرهنگی یعنی چه کسانی؟ یعنی علما، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته من در مورد تذکرات، معتقدم باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت زنی و جنجال آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم. اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور - که بحمدالله تعداد بی شماری از آنها در بین جوانهای ما، در بین صاحب نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل کرده‌های ما حضور دارند - میتوانند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشانند. گاهی میشود که مسئول، متوجه نیست چه دارد میگذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او میفهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه‌ی فرهنگ، این است.

بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

عزم ملی، اعتماد به نفس ملی و عزت ملی

در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب کنندگان فرهنگ انجام میدهند این است که به جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج میکنند. یک ملت تا عزم راسخ نداشته باشد، نمیتواند به هیچ جا برسد؛ سعی میکنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهم مربوط به سرنوشت کشور به هم بزنند، در آنها تردید ایجاد کنند؛ جای احساس عزت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها تزریق میکنند؛ جای ایمان راسخ، شبهه افکنی و بی اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذت جوئی و شهوت رانی و از این قبیل؛ این کارها کارهایی است که انجام میگیرد.

دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور بایستی وظایف خودشان را در مقابل اینها انجام بدهند.

بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۳/۱/۱۱.

عزم ملی رمز شکوفایی ملی

ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیتهای میتوانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیتهای استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشمان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را برمیدارد، کی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار میتوانیم بکنیم.

بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۳/۱/۱۱.

عزت ملی با عزم ملی

مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده‌ی مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه‌ی تحولات و جنبشهای گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته‌ی به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد.

هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پائید، کاری نخواهد کرد. البته در تاریخ کشور ما جابه‌جائی‌های قدرت، آمدن سلسله‌های سلاطین و رفتن آنها، به مردم ارتباطی نداشته است؛ لیکن همین سلسله‌های حکومتی و سلطنتی‌ای که در طول تاریخ ما وجود داشته‌اند، هر کدام از آنها که توانسته‌اند رابطه‌ی خودشان را با مردم به یک نحوی محکم و گرم و دوستانه کنند، پایداری‌شان، موفقیتشان در اداره‌ی کشور و در عزت ملی بیشتر بوده است؛ هر کدام، از مردم منقطع شدند، همه چیز را از دست دادند؛ که نمونه‌ی اتم آن، سلسله‌ی قاجار و سلسله‌ی منحوس پهلوی در این دوره‌های اخیر است. ما یک تجربه‌ی مشروطیت را داریم در دوران نزدیک خودمان، و یک تجربه‌ی ملی شدن صنعت نفت را. در این دو، مردم حضور داشتند، شرکت داشتند؛ عامل پیروزی هر دو نهضت، مردم بودند؛ ولی از مردم جدا شدند. در نهضت مشروطیت، انگلیسها با مکر و کلک خودشان، با حیله و خدعه‌ی خودشان، آمدند بر امواج مشروطیت سوار شدند، مردم و رهبران مردمی را کنار زدند؛ مشروطیت سر از قلدری رضاخان درآورد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه: ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.

اقتدار ملی با عزم ملی

اگر یک ملت به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند. بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن، فاصله‌ی زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ اما ملت ما این جور نیست؛ ما اولاً استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملت ما به سمت اقتدار ملی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است؛ من بر این اساس نقشه‌ی کلی سال ۹۳ را در این دو عنصر میبینم که در پیام اول سال عرض کردم: اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و با مدیریت جهادی.

بیانات در حرم مطهر رضوی: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱.

امام خمینی (ره) و معماری عزم راسخ مردم

نکته‌ی اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد؛ و این از حکمت امام بزرگوار ما و ژرف‌نگری آن مرد حکیم و معنوی و الهی بود. او ملت ایران را بدرستی شناخته بود، ملت ایران را باور کرده بود، به سلامت و صداقت و عزم راسخ و توانائی‌های ملت ایران ایمان داشت.

همان روزها بعضی‌ها بودند که میگفتند خیلی خوب، انقلاب پیروز شد، مردم برگردند بروند خانه‌هاشان. امام محکم ایستاد و کارها را به مردم سپرد. یعنی پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، نظام سیاسی کشور به وسیله‌ی فرماندوم مردم تعیین شد. شما به انقلابهای گوناگون نگاه کنید تا معلوم شود که اهمیت این حرف چقدر است. پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، مردم فهمیدند چه نظامی را میخواهند. خودشان پای صندوقهای رأی آمدند و با آن رأی عجیب و تاریخی مشخص کردند که نظام جمهوری اسلامی را میخواهند. در این دویست سال اخیر که سالهای انقلابهای بزرگ استدر هیچ انقلابی چنین اتفاقی نیفتاده است که با این فاصله‌ی کم، نظام جدید به وسیله‌ی خود مردم، نه به وسیله‌ی یک عامل دیگر، تعیین شود. بعد بلافاصله امام بزرگوار دنبال قانون اساسی بود. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.

عزم راسخ بسان هوای خوش بهاری

پیام صادقانه‌ی یک ملت وقتی از دل برآمد، این کار خودش را خواهد کرد. بارها گفتیم، احساس حضور، احساس انقلابی‌گری، احساس حرکت که با عزم راسخ همراه است، مثل هوای خوش بهاری در همه جا نفوذ خواهد کرد؛ آرام آرام همه را بهره‌مند خواهد کرد. بفرمائید، این نمونه‌اش در شمال آفریقا و در همه‌ی کشورهای عربی و در همه‌ی دنیای اسلام و در دل هر مسلمان صاحب فکر و هوشمند در اقلیتها اقلیت‌هایی که در کشورهایی هستند؛ مسلمانها اقلیتند و در کشورهای اسلامی، که یکایک دلها در طول این سالهای متمادی بتدریج احساس هویت میکنند،

احساس شخصیت میکنند. اسلام در حرکت عظیم خود به یک نقطه‌ی حساس رسیده است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان: ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

عزم ملی نیروی نگهبان انقلاب

ما وقتی تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب را بازخوانی میکنیم، ژرف‌ ژرفانی حکمت امام و تدبیر امام را درمی‌یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی‌عدالتی بین‌المللی دارد، با ایستادگی‌ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمنهای گردن‌کلفتی دارد. چالش ایجاد میکنند، مشکل به وجود می‌آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهبانی کند، تا بتواند ایستادگی کند، تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام که از متن اسلام گرفته شده بود این نیروی نگهبان عبارت است از اراده‌ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل میشود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه‌ی چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه: ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.

عزم ملی رمز استحکام و اقتدار نظام

اولاً همه‌ی دنیا بلداند، دشمنان غربی ما بلداند که این نظام به خاطر حضور مردم، یک نظام دارای استحکام و اقتدار است. سیاستگذاران غربی، اینجا را اشتباه نکنند با بعضی از کشورهایی که انقلاب کردند، بعد هم همان جوری که غرب مایل بود راهشان را تغییر بدهد، تغییر دادند. اینجا مردمند. اینجا بافت عمومی کشور یعنی مردم در بخشهای مختلف کشور و از طبقات مختلفدر این انقلاب ذی‌سهمند، ذی‌نظرند، اراده و عزم آنها تأثیر می‌گذارد. اگر یک مسئولی هم بخواهد کجروی کند، بخواهد حرکت

دیگری در قبال حرکت انقلاب به راه بیندازد، مردم او را حذف میکنند. این آن چیزی است که همه‌ی مردم دنیا و سیاستگذاران کشورهای گوناگون باید این را بدانند؛ و البته میدانند، این را احساس هم کردند. امثال همین حضور مردمی امروز شما، به نظام استحکام و اقتدار بخشیده است؛ که من واقعاً لازم است هم تشکر کنم از این حضور گرم و صمیمانه‌ی شما در این خیابانها، و هم معذرت‌خواهی کنم. من واقعاً راضی نیستم به اینجور زحمت کشیدن مردم و این رنجی که در این استقبالها بر آنها وارد میشود... خیلی متشکر، خیلی متشکر، خیلی متشکر. پس نتیجه‌ی اولی که از این بحث حضور مردم گرفتیم، این است که دیگران بدانند، دنیا بدانند، سیاستگذاران استکبار و غیر استکبار بدانند که ایران این است؛ اینجا مردمند، ملتند، عزم عمومی است، عزم ملی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشا: ۱۳۹۰/۷/۲۰.

عزم ملی زمینه‌ساز ساخت قرآنی جامعه

انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین میکنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبیر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید: شکوفائی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ده میلیون، پانزده میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که اینها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر باارزش است. آموزشهای قرآنی را، درسهای قرآنی را، نصایح قرآنی را، اندازهای قرآنی را، بشارتهای قرآنی را در ذهن داشته باشند، آنها را مرور کنند، آنها را بر دل خودشان فرا بخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می‌آید. خوشبختانه زمینه‌هایش فراهم است. امروز هم عزم و اراده‌ی ملت ما عزم پولادینی است. اما آن ساخت قرآنی جامعه در آن صورت به دست خواهد آمد، که ما امیدواریم ان شاء الله این پیش بیاید.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی؛ ۱۳۹۰/۵/۱۱.

آمادگی‌های معنوی مقدمه قدرت عزم ملی

در این دنیا خیلی باید هوشیار بود. البته مقابله‌ی با این ظلم و زور و

با نقاب و بی نقاب و همه جورش، صرفاً منحصر نیست در آمادگی‌های نظامی؛ مهم‌تر از آمادگی‌های نظامی، آمادگی‌های معنوی است؛ آمادگی‌های روحی است؛ قدرت عزم یک ملت است؛ توان ایستادگی یک ملتی است که بتواند در مقابل این تندبادهای بایستد. تندباد می‌آید و می‌گذرد؛ هرچه قدرت هم داشته باشد، می‌آید و می‌گذرد؛ مهم این است که بتوان یا نتوان در مقابل این تندباد ایستاد. مشکل پنهانی که فرومی‌ریزد، این است که نمی‌توانند خودشان را نگه دارند؛ و الاً تندباد که دائمی نیست. اگر یک ملتی زانوان خودش را محکم کرد، قدرت ایستادگی به خودش داد، ثبات قدم خودش را تقویت کرد، از این تندبادهای و این طوفانهای کاری برنمی‌آید؛ می‌آیند و می‌روند؛ آن‌ها می‌روند، این ملت می‌ماند.

بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی؛ ۱۳۸۹/۰۱/۲۲.

سعادت دنیوی و اخروی با اراده‌ی مستحکم ملی

من می‌خواهم به شما بگویم: جوانهای عزیز! همیشه همین طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می‌تواند همه‌ی دشمنان را هرچند بظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین جور است؛ فردا هم همین جور است. ملت ایران اگر بنخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد- که می‌خواهد و این شاء الله خواهد رسید- راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده‌ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه‌ی این‌ها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبی‌شان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر می‌کند؛ می‌توانند مقاومت کنند.

بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین؛ ۱۳۸۹/۰۱/۱۱.

آگاهی، بصیرت و ایستادگی ملی

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می‌شود

ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه‌ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۹: ۸۹/۱/۱

عزم ملی رمز فتح قله‌های پیشرفت

ما قله‌ها را شناختیم؛ میدانیم کجا می‌خواهیم حرکت کنیم؛ «لنکونوا شهداء علی الناس». این راه، راهی است که باید بتواند ملت ما را به اسلام ناب کامل برساند؛ که خیر دنیا و آخرت در آن است. حیات طیبه‌ی دنیا و آخرت در اسلام کامل است. ما هنوز اوائل راهیم. ما خیلی نقص داریم. ما با آن اسلام کامل خیلی فاصله داریم. راه ما این است. این قله‌ها را شناختیم؛ خدای متعال بحمدالله راه را هم به ما نشان داده است؛ عزم و اراده‌ی ملت ایران و مسئولین کشور هم برای حرکت در این راه، عزم و اراده‌ی خوبی است، عزم و اراده‌ی قوی‌ای است.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی: ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

عزم ملی و همت ملی راز جبران عقب‌ماندگی‌هاست

ما باید همت کنیم. ما باید مناسبات غلطی را که موجب عقب‌ماندگی ملتها و از جمله ملت خود ما شده است، عوض کنیم و تغییر دهیم. ما باید عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کنیم. همه‌ی اینها نیاز دارد به همت، نیاز دارد به عزم، نیاز دارد به امید. اگر یک ملتی امید خود به آینده را از دست داد، یا همت او در باز کردن راه‌ها و پیش رفتن به سمت هدفها سست شد، این ملت عقب خواهد ماند؛ پیشرفت نخواهد کرد؛ سلطه‌گران عالم بر او مسلط خواهند شد؛ عزت خود را از دست خواهد

داد. ملت ایران احتیاج دارد به اینکه این همت را مستمراً در کار خود حفظ کند، این عزم و اراده را حفظ کند، این امید را روزبه‌روز افزایش دهد؛ و این در کشور ما موجود است. بحمدالله مردم ما این را دارند و نشان داده‌اند؛ لذا ما در این سی سال بمراتب بیشتر از آنچه که یک ملت در سی سال میتواند رشد کند و پیش برود، جلو رفته‌ایم؛ این را دشمنان ما هم اعتراف میکنند. ولی شعار ما، شعار جهانی است. شعارهای ما، شعارهای ناظر به بشریت است؛ شعارهای ما ناظر به قطع دست مستکبران به طور کامل از کشور ما و ملت ماست؛ مستکبران این را تحمل نمیکنند، لذا توطئه میکنند.

بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان: ۱۳۸۹/۱۰/۰۸.

امید و انگیزه نمایشی از عزم ملی

امید و انگیزه موج میزند در رفتار و گفتار مردم عزیز ما. من بازتاب این امید و این انگیزه را، امسال در ملاقات با دانشجویان، در ملاقات با دانشگاهیان و نخبگان، در ملاقات با کارگزاران و مسئولان عمده‌ی کشور و نظام، در ملاقات با مدیران ارشد، با کارآفرینان، در ملاقات با قشرهای مختلف در ماه رمضان، در گفتار آنها مشاهده کردم؛ در منش آنها و سیمای آنها این امید و این انگیزه را مشاهده کردم. ملتی که یک چنین امیدی در او هست، اینجور به سمت آینده با نگاه خوشبینانه و با عزم و اراده نگاه میکند، این ملت مسلماً و قطعاً و یقیناً به قله‌ها دست پیدا خواهد کرد.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر: ۱۳۸۹/۰۶/۱۹.

عزم ملی بخشی از هویت جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت مردم و ایمان مردم و عزم مردم که ندارد. امروز هم همین‌جور است. ما کسی نیستیم، ما چیزی نیستیم؛ خدای متعال به وسیله‌ی این مردم و این دلهاست که این نظام را حمایت می‌کند؛ «هو الَّذی اَیَّدک بنصره و بالمؤمنین». خداوند متعال به پیغمبرش می‌فرماید که پروردگار، تو را به وسیله‌ی مؤمنین یاری کرد.

جمهوری اسلامی امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. ما وسیله‌ی دیگری نداریم؛ وسیله، همین ایمان‌های مردم است که از هر سلاحی کارآمدتر است، از هر وسیله‌ای مؤثرتر است. آن روز هم همین جور بود. مردم آمدند این توطئه‌ها را جارو کردند. البته یک توطئه که جارو شد، معنایش این نیست که توطئه تمام شد؛ خوب، دشمن بیدار است؛ یک بازی دیگری، یک توطئه‌ی دیگری، یک ماجرای دیگری. مردم که بیدار بودند، فرقی نمی‌کند؛ صد تا توطئه هم که بیاورند، مردم در مقابلش می‌ایستند و حرکتشان را هم ادامه می‌دهند. حرکت عظیم ملت ایران متوقف نمی‌شود؛ هم پیش می‌روند، هم در عین حال با معارضه‌ها، با دشمنی‌ها و با مزاحمتها مقابله می‌کنند. این وضعی بوده است که در این سی سال وجود داشته است.

دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن؛ ۱۳۸۸/۱۱/۰۶.

عزم ملی، پشتوانه رهبری در جلوگیری از انحرافات

عرض من به عناصر داخلی، به مردم دلسوز، به برادران و خواهرانی که در داخل با مسائل تبلیغاتی سر و کار دارند، این است که سعی کنند به این آشفتگی کمک نکنند. این که تحلیل بگذارند، یکی از آن طرف، یکی از این طرف، این علیه آن، آن علیه این، برای هیچ و بوج، چه لزومی دارد؟ نه، دستگاه بحمدالله دستگاه مقتدری است، مسئولین مشغول کارشان هستند، رهبری هم که بنده‌ی حقیر هستم با همه‌ی حقارت، خدای متعال کمک کرده، ما در مواضع صحیح خودمان محکم ایستاده‌ایم. تا من زنده هستم، تا من مسئولیت دارم، به حول و قوه‌ی الهی نخواهم گذاشت این حرکت عظیم ملت به سوی آرمانها ذره‌ای منحرف شود. تا مردم عزیزمان اینجور با شور، با شعور، با بصیرت، با عزم راسخ در میدان هستند، لطف الهی شامل است؛ این را بدانید. تا ما توی میدان هستیم، سایه‌ی لطف الهی هست. ماهامن یک جور، شما یک جور، آن دیگری یک جور، چهارمی یک جور اگر سراغ مسائل شخصی خودمان برویم و اهداف را فراموش کنیم، البته کمک الهی هم کم خواهد شد.

بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان فارس؛ ۱۳۹۰/۰۲/۰۳.

عجز دشمن از فهم عزم ملی ملت ایران

قدرتهای بزرگ- که هدفشان جز قهر و سیطره‌ی بر ملتها نیست- حاضر نیستند بفهمند که وقتی یک ملت بیدار شد، وقتی یک ملت ارزش عزم و اراده‌ی خودش را فهمید، وقتی یک ملت دانست که اگر بخواهد و تصمیم بگیرد و عمل بکند، هیچ قدرتی در مقابل او نمی‌تواند بایستد، با یک چنین ملتی دیگر نمی‌شود درافتاد. ممکن است هزینه‌هایی را بر این ملت تحمیل کنند؛ اما تسلط بر آن ملت دیگر ممکن نیست؛ به بردگی کشیدن آن ملت دیگر ممکن نیست؛ تحمیل کردن عقاید خود و خواست خود بر آن ملت دیگر ممکن نیست. این را هنوز هم قدرتهای بزرگ نمی‌توانند بفهمند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش؛ ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.

تفوق بر امواج طوفانی دنیای استکبار با عزم ملی

در میانه‌ی امواج طوفانی دنیائی که در آن، افزون‌طلبان سلطه‌گر با سیطره‌ی متعرضانه‌ی خود استقلال و هویت ملتها را نشانه گرفته و تا توانسته‌اند عرصه را بر عزم ملی آنان تنگ‌تر کرده‌اند، ملت ایران با اراده‌ای راسخ بر ترفندهای پیچیده‌ی دشمنان فائق آمده و در راه عزت و آزادی به رهنمائی اسلام و قرآن، گردنه‌های دشوار را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. مجلس مؤمن و مستقل و شجاع و مدبر، نماد پایداری و ثبات الگویی از مردم‌سالاری است که انقلاب اسلامی در برابر چشم جهانیان قرار داد و ملت بزرگ ایران با اتکال به خدا و با عزم راسخ خود آن را ماندگار کرد.

پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۷۸/۰۳/۰۷.

مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی

ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلونند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. البته با حرف نمی‌شود، با الفاظ نمی‌توان کاری انجام داد،

نوشتن این چیزها روی کاغذ اثری ندارد؛ تحرک و برنامه‌ریزی لازم دارد.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)؛ ۱/۱/۸۸

شهدا و ایثارگران پیشرو و پیشگام در عزم ملی

شهدا پیشرو و پیش‌گام بودند و سنگر دوم، خانواده‌های شهیدان و دیگر ایثارگران. رفتند جلو، مانعها را از سر راه برداشتند و توانستند یک ملتی را که چند قرن او را به بی‌حالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به این ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده‌ی مستحکم و راسخ. این کار را شهدای ما کردند؛ این کار را رزمندگان ما کردند؛ این کار را جانبازان ما کردند؛ این کار را استقامت‌آزادگان ما در زندانهای دشمن کرد؛ این کار را شما خانواده‌های شهدا کردید. حق شما بر گردن ایران و ایرانی تا ابد باقی است و تاریخ ایران باید نسبت به خانواده‌ی شهدا، حق‌گزاری کند.

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۳

پیش‌بری نظام با عزم و نیت ملی

ما با این نیت و عزم راسخی که در ملتمان وجود دارد، با این آمادگی‌ای که امروز بحمد الله در دولتمان و در مسئولینمان و با مجلس تازه‌نفسی که بر سر کار است و نمایندگانی که امروز در مجلسند- که بحمد الله همه در جهت ارزشهای اسلامی حرکت می‌کنند- و با امید پشتیبانی این ملت، می‌توانیم این کشور را بازمه پیش ببریم، مشروط بر اینکه مسئولان نوآوری راه، ابتکار راه، خلاقیت را- در روشهای گوناگون- برای خودشان یک وظیفه بدانند و سعی کنند آنچه را که در طول این سی سال شروع شده است- انجام گرفته است یا نیمه‌کاره مانده است- به شکوفایی برسانند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

عزم ملی و فتح قله‌های آرزو

در این سفرهایی که ما به استانهای سراسر کشور مسافرت می‌کنیم- برای خود من علاوه بر هدفهای این سفرها که عرض خواهم کرد- این

فایده و بهره‌ی بزرگ را دارد که با زیباییهای معنوی نقاط گوناگون کشور آشنا می‌شویم. جهانگردان و سیاحان و ایران‌گردان دنبال زیباییهای مادی و ظاهری هستند که در جای خود، حقا هم تماشایی است؛ اما بنده که فرصت نگاه کردن و گردش کردن برای دیدن زیباییهای مادی استانها را ندارم، تماشاجی زیباییهای معنوی استانهای کشور و بخشهای مختلف این ملت بزرگم. اصحاب علم و ادب و معرفت، صفا و صداقتهای مردمی، جلوه‌های عظمت و شور و شعور ملت ایران در جای جای این میهن بزرگ و پرافتخار، جلوه‌های پایداری و ایثار، نشانه‌های عزم راسخی که ملت ایران در خود در طول این بیست و هفت سال نشان داده است و همین عزم راسخ، پشتوانه و ذخیره‌ی پشتیبان حرکت‌های مستمر او به سوی پیشرفت شده است و همین هم **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** او را به قله‌ی آرزوهایش خواهد رساند؛ این‌ها را ما در استانها مشاهده می‌کنیم. من شما مردم عزیز استان را می‌شناسم؛ هم از نزدیک، هم از روی گزارشها؛ امروز هم در این میدان عظیم و در خیابانهای شهر، نشانه‌های لطف و صفای شما مردم را مشاهده کردم.

بیانات در دیدار مردم استان سمنان؛ ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.

نمایندگان مجلس پيشاهنگان عزم ملی مردم ایران

شما نمایندگان ملتی مؤمن و شجاع و بااراده‌اید. این ملت با این ویژگی‌ها توانسته است از گردنه‌های دشوار عبور کند و بسی موانع طبیعی یا ساخته‌ی دشمن را پشت سر گذارد.

اندیشه و عمل شما باید در همین جهت به کار افتد. دشمنان پركینه و زیاده‌طلب، اکنون در چندین جبهه از ملت ایران شکست خورده‌اند و ملت ایران بر ثبات و اقتدار و استقلال خود در برابر آنان افزوده است. امروز آنان خود به این حقیقت معترفند. شما باید در کنار دولت انقلابی و مؤمن، پیشاهنگ این حرکت شجاعانه و مدبرانه باشید؛ دنیا از همه‌ی شما سخن واحدی بشنود و تبلور عزم ملی را در حرف و عمل شما ببیند.

پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوری مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۷/۰۳/۰۷.

مرجفون در مقابل عزم ملی

در قرآن سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۶۰ می‌فرماید: «لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنگزینک بهم». مرجفون در کنار منافقان و بیماردلان که آن‌ها دو دسته‌اند قرار دارند. منافقان یک دسته‌اند، بیماردلان الذین فی قلوبهم مرض دسته‌ی دیگری هستند؛ این «مرجفون» در کنار آن‌ها گذاشته شده‌اند. مرجفون یعنی کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند. یک جامعه‌ی تازه تأسیس شده‌ی اسلامی، با آن همه دشمن، آن همه بسیج قرآنی، آن همه بسیج نبوی، همه باید برای دفاع از کشور و از این نظام عظیم انسانی و مردمی، از لحاظ روحی آماده باشند؛ اما یک عده مثل خوره به جان مردم بیفتند و روحیه‌ها را تضعیف کنند؛ این‌ها مرجفونند. قرآن می‌گوید: اگر «مرجفون» یعنی کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند، آدم را ناامید می‌کنند، مردم را از اقدام بازمی‌دارند دست برندارند، «لنگزینک بهم»؛ تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۷/۰۶/۱۲.

دفتر هفتم: مدیریت جهادی

مفهوم کار جهادی

در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت کننده‌ی به بی‌قانونی نیستم؛ بشدتّ ضدّ این بی‌قانونی هستم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار کار مرسوم اداری، یک کار کار جهادی.

کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت بخوبی انجام بگیرد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت: ۱۳۹۲/۰۶/۰۶

مدیریت جهادی لوکوموتیو حرکت رو به جلوی کشور

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرتهای جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.

دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.

شاخصه‌های مهم مدیریت جهادی

عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی. اینکه من نام مبارک امام باقر (علیه‌السلام) و نام مبارک امیرالمؤمنین و تبریک ایام مبارک رجب را در طلوعه‌ی عرایض عرض میکنم، به‌خاطر این است؛ در همه‌ی کارها توکل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمک‌های الهی اعتماد کنیم. [وقتی] شما از خدای متعال کمک می‌خواهید، راه‌ها به‌سوی شما باز میشود: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق؛ ۲-۳) این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکلهای مختلفی به من و شما میرسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، میدرخشد، راهی باز میشود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافری در دل شما به‌وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است.

بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا؛ ۱۳۹۳/۰۲/۱۰.

وقتی این ملت به هدفهای خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسؤولان به عنوان یک ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالتخواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است. مدیران کشور، مسؤولان و پشت سر آنها مردم وقتی این شعارها را مد نظر قرار دهند، حرکت کشور به سمت هدفها و آرمانهای خود پُرشتاب و موفق خواهد شد.

بیانات در دیدار ژانرین و مجاورین حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱.

مدیریت جهادی گره‌گشای مشکلات کشور

اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرتهای جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.

بیانات در دیدار با رئیس و اعضای شورای اسلامی و شهردار تهران.

عمل مجاهدانه لازمه مسئولیت

در نگاه به سال ۹۳ آنچه به نظر این حقیر مهم‌تر از همه است، دو مسئله است: یک مسئله همین مسئله اقتصاد و دیگری مسئله فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمینه توقعی که وجود دارد، تلاش مشترکی است میان مسئولان کشور و آحاد مردم. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ. بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه‌های گوناگون مردمی با اراده و عزم راسخ ملی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مسئولین هم برای اینکه بتوانند کار را به‌درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آنها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه فرهنگ. من ان‌شاءالله توضیح همه‌ی این موارد را در سخنرانی روز جمعه به عرض ملت ایران خواهم رساند. لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور ما و ملت ما را معین کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی».

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳: ۲۹/۱۲/۹۲.

فرهنگ جهادی محصول تفکر انقلابی

آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی، کشاورزی و دامداری و امثال اینها هم از اول انقلاب روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد.

بیانات در دیدار با رئیس و اعضای شورای اسلامی و شهردار تهران: ۱۳۹۳.

غفلت از روحیه جهادی ضعف اساسی ما

غفلت از روحیه‌ی جهادی و ایثار، غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از در کمین بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌ای کشور، بی‌مبالاتی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ اینها گناهان ماست، اینها نقاط ضعف ماست.

بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

توجه به اصول شورانگیز انقلابی و اسلامی

اکنون که به فضل الهی ملت ایران پانزدهمین سالگرد فرخنده‌ی انقلاب را با سرپلندی و احساس پیروزی به سر برده و دولت و ملت هماهنگ و استوار و راهی طولانی پر ماجرا و مشحون از توفیقات و نیز دشواریها را پشت سر نهاده‌اند و دولت خدمتگزار با مجاهدتی عظیم و ابتکار آمیز، موانع عمده‌ی پیشرفت اقتصادی و رشد و توسعه‌ی ملی را از میان بر داشته و راه به سوی سازندگی و رفاه عمومی را با شتابی متناسب با شرایط انقلاب طی می‌کند، شرایط عام کشور نیازمند آن است که دستگاه تبلیغاتی صدا و سیما نیز سیاستی نوین و متناسب با پیشرفتهای همه‌جانبه‌ی کشور در پیش گیرد و فضای فرهنگی جامعه را از یکسو همگام با سیر شتابنده‌ی سازندگی و رشد و توسعه عمومی و از سوی دیگر همخوان با اصول انقلاب و مبانی اساسی اسلام تجهیز کند و نیز به اقتضای مقابله با تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی استکبار و ایادی‌اش میدان پیکار رسانه‌ها را هم در جبهه‌ی تبیین و تعمیق و تکریم اصول شور انگیز انقلاب اسلامی و هم در جبهه‌ی توزیع تلاش فداکارانه‌ی مسؤولان کشور و قوای سه‌گانه به خصوص قوه‌ی مجریه‌ی سختکوش و خستگی‌ناشناس با روشهای نوین و پیشرفته و خردمندانه با جهادی بزرگ و هوشیارانه بپاراید.

انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت رئیس سازمان صداوسیما: ۱۳۷۲/۱۱/۲۴.

مفهوم تلاش مجاهدت‌آمیز و سخت

خدمت کردن، اجتناب از تبعیض، اجتناب از تضییع بیت‌المال

و اجتناب از تضییع حقوق مردم، اجتناب از سوءاستفاده از شغل و مسؤولیت - کسی که مسؤولیتی دارد، وجاهتی از این طریق به دست آورده، که این وجاهت متعلق به مردم است؛ مثل بیت‌المال. همچنان که یک مسؤول به این دلیل که کلید صندوق بیت‌المال در دستش است، نمی‌تواند از بیت‌المال در مصارف شخصی خرج کند، به همین دلیل حق ندارد که از وجاهت و قدرت و امکان و فرصتهایی که در اختیارش است، به سود شخص خود و منافع شخصی‌اش استفاده کند - تلاش مجاهدت‌آمیز و تلاش سخت؛ یعنی به‌کارگیری عقل، علم، تخصص و تجربه و به‌کار بردن همه‌ی ظرفیت دستگاه تحت مدیریت برای رسیدن به آرمانهای نظام اسلامی، رفتار دینی است. اگر یک مسؤول خیلی هم مقدس‌مآب باشد، اما از ظرفیت خود برای کار و تلاش استفاده نکند، رفتار دینی او ناقص است؛ اگر از فرصتها استفاده نکند و عقل و تدبیر و هوش و علم و تخصص و تجربه را به‌کار نگیرد، رفتار دینی‌اش ناقص است.

معارف اسلامی ما پُر است از این مفاهیم عالی و متعالی و قرآن و احادیث ما هم سرشار از این معارف است. البته مسؤول متدین کسی است که این ضوابط را در زندگی خود به عنوان اصول حتمی و غیرقابل تخلف در نظر داشته باشد. اگر مسؤولان نظام جمهوری اسلامی مقید به این ضوابط باشند، نظام اسلامی روزه‌روز و قدم‌به‌قدم به پیش می‌رود. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۳/۰۱/۰۲.

ترکیب تدبیر با مجاهدت

آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده‌ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمانها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچگونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه‌ی عملیاتی‌اش میشود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد؛ که این، آگاهی عمومی، آگاهی

دست‌اندرکاران، همراهی دلها و زبانها در همه‌ی عرصه‌ها را میطلبد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۹۱/۵/۱۳

محصول مجاهدت و تلاش

یک عدّه، ساده‌لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا را مورد نظر قرار می‌دهند و می‌گویند این‌ها ثروت دارند، اما دین و اخلاق ندارند؛ ما هم به همان راه برویم. خیال می‌کنند ثروتمند شدن آن‌ها، ناشی از دین نداشتن و اخلاق نداشتن آنهاست! این اشتباه است.

هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاصّ ایجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد؛ این سنت الهی است. حتّی کسانی هم که دنبال مادیّات صرفِ بدون معنویت می‌روند، اگر مدیریّت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید.

شکی نیست که خدای متعال به حسب عمل ملت‌ها به آن‌ها پاداش و جزا می‌دهد، که گاهی آثار آن را ما می‌فهمیم و گاهی هم متوجه نمی‌شویم.

درس گفتار قرآن کریم روز پانزدهم: سنت امداد الهی؛ ۱۳۹۱/۵/۱۴.

مدیریت جهادی در حوزه اقتصاد

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است.

نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، میکنند - حالا شکست می‌خورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را میکنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این

هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرتِ اینکه داریم چه کار میکنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخشهای اقتصادی کشور در همه‌ی قسمتهای دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه‌ی مردم در این موفقیت سهیمند.

بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور: ۱۳۹۰/۰۲/۰۷.

لزوم توجه به عمل جهادی در دانشگاه

ارزشهای اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار بگیرد، اسلام در دانشگاه غریب نباشد عمل و تعهد اسلامی یک چیز انگشت‌نما نباشد، نماز، امانت، صلح گفتار، صفا، برادری، عمل جهادی، درس خواندن از روی علاقه و صمیمیت، کمک به یکدیگر در فراگیری، تلاش برای تعمق در معلومات و دانشهای مختلف رایج باشد. علم و دانش هم اسلامی و از اسلام است؛ و الا به دانشگاه رفتن و مقداری از بیت‌المال و امکانات مردم را مصرف کردن، و بدون اینکه یک نفر به علم دل بدهد و به فراگیری اهمیتی بدهد، فقط برای اینکه بتواند سرهم‌بندی، تکه کاغذی به دست بیاورد و در سایه‌ی آن شغلی بگیرد، تا پولی گیر بیاورد نه اینکه شغلی بگیرد، تا کاری بکند اینکه اسلامی نیست. دانشجو هم اگر این طور درس بخواند، اسلامی نیست. استاد هم اگر این طور درس بدهد، اسلامی نیست. روابط اسلامی در دانشگاه این است؛ و الا جوانان و دختران و پسران ما بحمد الله مسلمانند.

سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاهها، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه: ۱۳۶۹/۰۹/۲۸.

مدیریت جهادی گونه‌ی دیگر مدیریت

مدیریت، دوگونه کار می‌تواند بکند: یک‌گونه، کارهای قانونی و آیین‌نامه‌ای است که مثلاً امتحانات و گزینش و شهریه این طور باشد.

یکی هم کارهای بزرگ و عظیمی است که شاید تحت یک آیین‌نامه و نظام‌نامه‌ای هم نیاید؛ بلکه حرکتی جهادی و بسیجی و به کارگیری افراد گوناگون و راه‌انداختن امور است. به هر حال، باید مرکزی مباشرت مستقیم و مشخص کند و به نظر من، امروز این مرکز، مدیریت حوزه است. دیدار با جمعی از نخبگان حوزه علمیه قم؛ ۱۳/۰۹/۱۳۷۴.

حرکت جهادی رمز رهایی از سلطه استعمارگران

رهايي از سلطه و زورگويي و دخالت استعمارگران و زندگي در سايه‌ي اسلام ممكن و شديني و البته متوقف بر جهادي از نوع ديگر است. اين، جهادي علمي و سياسي و اخلاقي است؛ ملت ايران در بيست و هفت سال گذشته آن را آزموده و ميوه‌هاي شيرين آن را چشيده است. پايه‌ي اين جهاد مقدس، ايمان‌گرائي، مردم‌گرائي و علم‌گرائي است و خصوصيت آن، اين است که هر گام استوار در آن، گام بعدي را استوارتر و طي هر مرحله‌اش، مرحله‌ي بعدي را ممکن‌تر مي‌سازد.

سومين كنفرانس بين‌المللي قدس و حمايت از حقوق مردم فلسطين؛ ۲۵/۰۱/۱۳۸۵

اردوهای جهادی مدلی برای مدیریت جهادی

اردوهای جهادی دانشجویی بسیار کار خوبی است و یکی از شعبه‌های کمک به دولت است؛ که بعداً در باره‌ی آن عرض خواهم کرد. این هم که سؤال بکنیم آیا بسیج وارد عرصه‌ی علم بشود یا نشود، این از همان سؤالهایی است که تعجب من را برمی‌انگیزد! چرا نشود؟! بسیج باید جلوتر از همه وارد عرصه‌ی علم بشود. شما باید بروید و عرصه‌های علمی را، عرصه‌های فناوری را، نوآوری‌های علمی و آفاق شناخته‌نشده‌ی علم را تصرف کنید. البته درس‌نخوانده و کار نکرده نمی‌شود؛ این هم راه دارد.

بیانات در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاههای سراسر کشور؛ ۳۱/۰۲/۱۳۸۶

هدفمندی و هوشمندی لازمه‌ی کار جهادی

کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمان‌ها و هوشمندانه و

عاقلاته و دشمن شکن باشد. یعنی به همان معنایی که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار می‌بریم: «دارم مبارزه می‌کنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.

وقتی که راجع به سلولهای بنیادی شبیه‌سازی و این‌طور کارها آقایان حرف زدید و بنده یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات امریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟ دشمن از اینکه شما در این رشته دارید حرکت می‌کنید، دردش آمده است.

مثالهای واضحش را عرض می‌کنم؛ هزاران مثال دارد. آن‌روزی که شما مثلاً بتوانید آن چنان راداری بسازید که از هیچ نقطه از فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده‌ای نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش می‌آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم می‌خورد به دشمن. این، می‌شود جهاد.

در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند. یک‌وقت یک کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلاً کارخانه‌ی سیمان بسازید، ناراحت می‌شود؛ مانع‌تراشی می‌کند؛ نمی‌گذارد، که الآن در گزارشهایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان می‌خواهد یک شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان، که هرکس حق نداشته باشد کارخانه‌ی سیمان بسازد یا تولید سیمان کند.

بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان: ۱۳۸۶/۰۴/۲۵.

دفتر هشتم: چه باید کردهای فرهنگی؟

تقویت دینمندی با انجام کارهای عمقی و ماندگار

اگر ما امروز این مردم را متدین و متشرع و پایبند به دین و آگاه از مبانی دینی و برخوردار از معرفت دینی تربیت کنیم، هرچه به این سمت پیش برویم، این مملکت و آینده‌ی این کشور و این ملت را تضمین کرده‌ایم؛ هر مقدار که اجازه‌ی رخنه در این موانع را بدهیم و اجازه دهیم که در باورها و در مقدّسات دینی مردم در مسأله‌ی شهادت، در مسئله جهاد و در دشمنی دشمنان واضح اسلام و مسلمین خلشه شود و همین‌طور در ذهنهای مردم تسرب پیدا کند هرچه این را اجازه دهیم آینده‌ی این مملکت و این ملت را بیشتر به خطر انداخته‌ایم و امکان سعادت را که این ملت برای آن قیام کرد و این حرکت عظیم را انجام داد، ضعیف‌تر و امکان حضور و غلبه‌ی دشمن را بیشتر کرده‌ایم! این‌ها هم عملی نیست، مگر با تقویت کار فرهنگی و حقیقتاً مسئولین فرهنگی کشور چه شورای عالی انقلاب فرهنگی، چه عناصر محترمی از دولت که در این شورا هستند، چه سازمانهای غیر دولتی مثل سازمان تبلیغات و دیگران و دیگران که مسئولیت فرهنگی دارند باید احساس مسئولیت و وظیفه کنند و در میدان کار بیفتند. این امروز اساس کار ماست. امروز آقایان گزارشی از صحبت‌های سالهای گذشته که در خدمت شما آقایان مدیران و

خواهرمان داشتیم، آورده بودند؛ من نگاه کردم، دیدم سال گذشته هم تقریباً شبیه همین صحبتها را کرده‌ام و بر روی این مسئله تأکید نموده‌ام که ما باید تلاش کنیم که تدین در جامعه، غلبه پیدا کند و مردم به سمت تدین حرکت کنند. مراد از تدین، مقدس‌مآبی و گرایش به ظاهر نیست. البته ظواهر هم خیلی مهم است، باید حتماً ظواهر را هم رعایت کرد. مسائل شعاری دینی را هم نباید دست کم گرفت. این‌ها بسیار بسیار مؤثر است؛ اما در کنار این بایستی کارهای عمیق، مبنایی، فکری و اعتقادی انجام گیرد.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

تکریم عناصر خودی

در مقابل تهاجم، عناصر مؤمن خودی می‌توانند بایستند. عناصر مؤمن خودی راه، هر جا که هستند، گرمی بدارید. حرف من این است. من به مسئولین فرهنگی کشور، از وزارت آموزش و پرورش تا وزارت ارشاد اسلامی، تا سازمان تبلیغات اسلامی، تا بقیه‌ی مؤسسات و بنگاه‌های فرهنگی کشور، عرض می‌کنم: به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست، دستش را بگیرد بگذاریدش بیرون؛ نه.

چه کسی چنین چیزی را می‌گوید؟ اصلاً منطق اسلام که این نیست؛ منطق انقلاب که این نیست. میدان بدهید. به همه میدان بدهید. هر کس که می‌خواهد برای این ملت کار کند، کار کند. من می‌گویم اجازه‌ی منزوی شدن عناصر خودی را ندهید.

بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور: ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

پاسداشت سرمایه‌های معنوی و منابع قدرت

دشمنان ما بیش از آنکه به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی- که منابع قدرت ما هستند- چشم طمع دارند. آن‌ها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و ایمان و وحدت و همبستگی خود را از دست

بلهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بلهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بلهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند. آنچه سد مستحکمی در مقابل دشمنان قرار می‌دهد، همین سرمایه‌های معنوی است که باید مراقب باشیم دچار شبیخون نشود.

من متأسفانه کسان بسیاری را دیده‌ام که در صحنه‌ی سیاسی و عرصه‌ی فرهنگی ادعا دارند که برای ملت کار می‌کنند؛ اما از این سرمایه‌ها محافظت نمی‌کنند. شما دیدید که در بعضی از روزنامه‌های ما علیه مجاهدت، ایثار، فداکاری، شجاعت و ایمان قلم‌فرسایی کردند. این‌ها به نفع کیست؟ به نفع دشمن است؛ به نفع ملت ایران نیست. ملت را از ایمانش تهی دست بکنند؛ مثل این است که زره را در میدان جنگ از تن او بیرون آورده باشند. اگر مردم یک کشور را از غرور ملی و احساس مناعت و ایستادگی و استقامت تهی دست کنند، آن‌ها را در مقابل دشمن خلع سلاح کرده‌اند؛ این‌ها سلاح معنوی دشمن است. نباید کسانی جهاد و شهادت را تحقیر و باورهای دینی مردم را انکار کنند و مورد تشکیک قرار دهند. نباید دستاوردهای انقلاب را کوچک بشمرند و تحقیر کنند.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان: ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

راه‌اندازی نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری

کسانی که قلم به دست دارند و وظیفه‌ی فرهنگی دارند، باید روز به روز علم و تحصیل را ترویج کنند. ما شعار نهضت نوآوری علمی و جنبش نرم‌افزاری را مطرح کرده‌ایم؛ انتظار این بوده است که اهل علم، اهل دین، اهل قلم، اهل دانشگاه و اهل حوزه در این جهت حرکت کنند، و بسیاری حرکت کرده‌اند؛ اما می‌بینیم بعضی با این نیاز حقیقی - که حرکت علمی، نیاز حقیقی این کشور است - همراهی نکردند. این‌ها نشانه‌های خوبی از مجموعه‌هایی که این‌طورند، ارائه نمی‌دهد.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان: ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

تهذیب نفس

ما ملت ایران باید به تهذیب نفس همت کنیم؛ خودمان را بسازیم، خودمان را تطهیر و پاکیزه کنیم و نفوسمان را با خدا آشنا نماییم. این جهاد، بزرگتر از هر جهاد ظاهری، با هر دشمنی و با هر عظمتی است. همه‌ی انبیای الهی آمده‌اند تا انسان را بسازند، او را از دست منیتهای خود نجات بدهند و از شر وسوسه‌های درونی خودش خلاص کنند.

سخنرانی در دیدار با خانواده‌های شهدای شهرهای پاکدشت، ممقان، کیودرآهنگ، آستانه‌ی اشرفیه، لنجان، رابر کرمان، تهران، ۱۳۷۰/۰۷/۱۷.

شناخت تهاجمات فرهنگی قبل از ورود

ما در برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده را در اوّل ورود، حتّی قبل از ورود باید بشناسیم. فرض کنید یک چیزی، یک فکری، یک روشی در دنیا دارد رایج میشود؛ پیدا است که این اینجا خواهد آمدخب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتّصال و ارتباط است، نمیشود حصار کشیدقبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی یک پدیده‌ای است که ما آن را می‌توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی میشوید که نمیتوانید با آنها مواجه بشوید.

پس من نمی‌گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم البتّه وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکی نیست توصیه‌ی من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به‌هرحال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حذاکثر این است که بگوییم خیلی خب، ما در مقابل این نمیتوانیم یک حرکتی انجام بدهیم، اما منفعل هم نمیشویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی

است که بایستی از آن پرهیز کرد.
بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

مقابله هوشمندانه با ارتقای تربیت عقلانی و رشد دینی

سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ...
۵- اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
بوژه در: ...

۵-۳ ارتقاء تربیت عقلانی و رشد بینش دینی، سیاسی و اجتماعی
دانش آموزان و اهتمام به جامعه پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی
ملی، وطن دوستی و مقابله هوشمندانه با تهاجم فرهنگی و پاسداشت
استقلال، آزادی، مردم سالاری دینی و منافع ملی.
ابلاغ سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش؛ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

فرهنگ اسلامی عامل پیشرفت و ترقی

اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی کنیم، فرهنگ را اسلامی کنیم، مردم را
با خُلقیات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی را که در صدر اسلام از
یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملتمان
زنده کنیم، همین ها بزرگترین دستاوردهاست. باید توجه داشت که آنچه
در آغاز، از پیشرفت و ترقی برای انسانها به وجود آمد، ناشی از همین
فرهنگ اسلامی بود: دنبال علم و کار رفتند، تلاش و سعی کردند، نوآوری
کردند، به معرفت طبیعت، انسان، تاریخ و راههای زندگی پرداختند
و تعامل خوب و برادرانه را پذیرفتند. این ها چیزهایی است که هیچ
دستگاه قدرت مندی، بدون آنکه فرهنگ مردم و بینش آن ها را اصلاح
کند، نمی تواند در جامعه ای ایجاد کند. مثلاً آن عدالت اجتماعی ای که
کمونیستها، بی توجه به اصلاح فرهنگ مردم و پذیرش اختیاری آن ها بر
آن ها تحمیل کردند، همان چیز ناقص غلط معیوبی شد که در تاریخ ثبت
شده است. یعنی به اسم عدالت اجتماعی، همه چیز را به هم ریختند و
هیچ فایده ای به بار نیاوردند.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان «وزارت ارشاد» و اعضای «شوراهای فرهنگ عمومی کشور»؛ ۱۳۷۴/۰۴/۱۹

پیگیری تهاجم فرهنگی به لحاظ علمی و اصولی

نقش فرهنگ به نظر من یک نقش تعیین کننده و اساسی است و ما امروز مورد تهاجم هستیم... ما بایستی مسائل تهاجم فرهنگی را از لحاظ علمی و اصولی دنبال کنیم. البته آن زمانی که من مطرح کردم، بعضیها حمل کردند بر انگیزه‌های سیاسی؛ ولی بینا و بین الله، هیچ انگیزه‌ای غیر از انگیزه‌ی الهی وجود نداشت. هیچ انگیزه‌ی سیاسی نبود؛ حقیقت قضیه بود. چون من با مجلات آشنا هستم و با فرهنگ مکتوب این کشور، خیلی انس دارم؛ الآن هم همین طور است. من بعضی از مجلات ورزشی را هم نگاه می‌کنم. آن روزها سالهای هفتاد و یک و هفتاد و دو می‌دیدم که چه مسائلی را وارد فرهنگ جامعه می‌کنند! شروعش آنجا بود؛ شروع توطئه بود. من آنجا مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم؛ البته الآن ابعاد وسیع‌ترش در جامعه آشکار شده است. واقعاً ما الآن مورد تهاجمیم؛ منتها این فرهنگی که الآن به جان این انقلاب و این مؤمنین و اسلام و متدینین افتاده و هر کاری که می‌تواند می‌کند باینکه از طرف مجموعه‌ی کوچکی است، نه مجموعه‌ی وسیعی حامل سیاست است! این، فرهنگ هم نیست! یک وقت است که انسان، فکری را قبول ندارد و به‌عنوان ردّ فلسفی، آن را رد می‌کند؛ ولی این، آن طوری هم نیست. الآن آنکه در صحنه وجود دارد، حامل یک اراده‌ی سیاسی و یک جهت‌گیری سیاسی است.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۸/۰۹/۲۳.

هشیاری، پرهیز از غرور و غفلت در برابر کید دشمنان

دشمنان ما برنامه‌ریزی میکنند؛ به خیال خودشان میخواهند در مقابل این ملت بزرگ و بالاراده، مانع و رادع درست کنند تا این پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند و بدانند همچنان که از روز اول انقلاب تا امروز تجربه کردیم، در آینده هم دشمنان ما در همه‌ی توطئه‌ها و مکرها و کیدهای خود شکست خواهند خورد. سیاستمدارهای مختلفی در کشورهای معارض ما آمدند و رفتند در آمریکا، در انگلیس، در برخی کشورهای دیگر هر کدام که آمدند، با یک دل پر کینه و پر بغض نسبت

به حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آمدند؛ طراحی کردند، برنامه‌ریزی کردند؛ هرچه در توان و تلاش داشتند، انجام دادند؛ به خیال اینکه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو دریاورند. آنها رفتند، بعضی حتی نامشان هم فراموش شد؛ اما ملت ایران با سرافرازی و سربلندی بحمدالله در صحنه حاضر است و با اراده‌ی قوی‌تر و تصمیم‌راسخ‌تر از روز اول، راه خود را ادامه می‌دهد. این نشان‌دهنده‌ی قوت آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی و این ملت بزرگی است که این نظام را خواسته‌اند و از آن پشتیبانی کرده‌اند.

البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه می‌کنم، می‌گویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف نینگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راههای مختلف وارد میشود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راههای مختلفی وارد میشود؛ باید هشیار بود.

بیانات در اجتماع مردم اسفراین؛ ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

عمق‌نگری به جای سطحی‌نگری

در زمینه‌ی فرهنگ فرصت نشد آقایان گزارشی بدهند. من یک جمله عرض بکنم: به کارهای سطحی نباید اکتفاء کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان دهها کار صادر میشود و نشئت می‌گیرد، توجه کنید. من یک وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همانها باید دنبال شود و باید دنبال میشد. در باب فرهنگ باید بشدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت میکند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل

خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، اینها می آیند خرابش میکنند و جور دیگری منعکس خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت: ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

قرارگاه اصلی و راهبردی سیاستگذاری فرهنگی

در عرصه تهاجم پیچیده و فراگیر فرهنگ جبهه استکبار برضد نظام اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی همچون یک قرارگاه اصلی، وظیفه سیاستگذاری راهبردی و هدایت دستگاه‌ها و مراکز تأثیرگذار فرهنگی و بخش‌های اجرایی را برعهده دارد.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار

راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، گسترش و تعمیق رسالت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه‌های اخلاقی، رفتارهای فردی و اجتماعی، عقاید و باورهای دینی و مسائل سیاسی است.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

تقویت مهارت‌های دینی

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوریهای جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال اینها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل اینها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روشهای قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. اینها همه مالایی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه‌ی اینها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود.

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان: ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.

تقوا موجب رحمت الهی

انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزانهایی در راه است؛ این یک حرکت طبیعی است برای موجودات زندهی عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد؛ و امروز این جور است. بحمدالله انقلاب علی‌رغم همه‌ی تبلیغات، همه‌ی تخریبها، همه‌ی ضربه‌ها، همه‌ی تهاجمهای از اطراف و اکناف تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی پیشرفت کرده؛ این انقلاب زنده، بانشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهربین نمی‌فهمند و حقیقت را درک نمی‌کنند؛ مگر این‌که حقیقت خودش را با واقعیت سنگین به آنها تحمیل کند؛ و همین جور هم هست. امروز هم شما نگاه می‌کنید و می‌بینید که علی‌رغم این‌که مخالفان ملت ایران، دشمنان و توطئه‌گران ملت ایران، عظمت این ملت و عظمت این حضور سی میلیونی و عظمت این انتخابات را دیدند و در دل خودشان تحقیر شدند، هنوز در زبان حاضر نیستند اعتراف کنند؛ اما واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه‌ی توطئه‌ها خط بطلان کشید، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ منتها شرطش ادامه‌ی تقواست، که تقوا موجب رحمت الهی است.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی؛ ۱۳۸۴/۰۴/۰۷.

تقویت اقتدار فرهنگی کشور

اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است. اقتدار فرهنگی هم همین‌طور است؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۸۰/۰۲/۲۸.

تقویت امنیت فرهنگی

یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به

جوانان و به فرزندان خود علاقه‌مند و از این که آنها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آنها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند؛ این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی.

امنیت فرهنگی را هم در بخش عظیمی، نیروهای بسیج، نیروهای مؤمن، جان بر کف، تأمین می‌کنند. ترکیب نیروهای مسلح در کشور ما یک ترکیب منطقی و عالی است. ارتش در جای خود، سپاه در جای خود، بسیج در جای خود، نیروی انتظامی در جای خود، هر کدام با وظایف مشخص مشغول کارند و محصول همه‌ی اینها عبارت است از امنیت کشور.

و آن وقتی که دشمن قصد تهاجم داشته باشد چه تهاجم فرهنگی، چه تهاجم شهری و شهروندی، چه تهاجم از بیرون مرزها حضور این نیروها برای این ملت مایه‌ی افتخار است؛ مایه‌ی سربلندی و عزت است.

بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان: ۱۳۸۴/۰۲/۱۵.

پاسخگو بودن دستگاه‌های فرهنگی

پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. باید دستگاه‌های فرهنگی کشور چه آنچه مربوط به دولت است، چه آنچه زیرمجموعه دولت نیست، مثل صدا و سیما روشن کنند که در مقابل تهاجم گسترده‌ی فرهنگی دشمنان چه تدابیری را برای اعتلا و بارور کردن فرهنگ اسلامی و انقلابی و عمومیت بخشیدن به نقاط برجسته‌ی آن به کار بسته‌اند. دستگاه‌های اقتصادی هم بیان کنند که برای بارور کردن اقتصاد کشور، پر کردن شکاف طبقاتی، برطرف کردن فقر و محرومیت از طبقات محروم کشور و آباد کردن این کشور پربرت و قابل آبادی در همه‌ی مناطق وسیع آن، چه تلاشی انجام داده‌اند. دستگاه‌های علمی کشور که مدیران آن در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه‌ی کشورند مشخص کنند که برای تولید علم، آزاداندیشی علمی و تضارب افکار که ما از دانشگاه و حوزه این مسائل را مطالبه کردیم چه تلاش و کار بزرگی را انجام داده‌اند؛ چقدر پیش رفته‌اند و چه کارهای دیگری را بایستی انجام

دهند. دستگاه‌های صنعتی و دستگاه کشاورزی کشور هم توضیح دهند. قوه قضاییه کشور توضیح دهد که برای احقاق حق مظلومان و برای این که مظلومان کشور حقیقتاً قوه قضاییه را ملجأ و مأوی خود بدانند و به آن پناه ببرند، چه تلاشها و کارهایی را انجام داده است. قوه مقننه که دو وظیفه عمده قانونگذاری و نظارت را برعهده دارد، مشخص کند که در امر قانونگذاری چه تلاشی را انجام داده تا قوانینی را بگذارند که برای تسهیل اصلاح حقیقی کشور لازم است؛ همچنین این قوه مشخص کند که در امر نظارت بر دستگاهها و مراقبت از صحت عمل آنها چه تلاشی را به انجام رسانده است.

بیانات در دیدار ژانرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۳/۰۱/۰۲.

توجه به عبادات ناب و خالص

ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم؛ عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است. هر کدام از اینها یک درجه است. هر کدام از اینها، شما را مثل پولاد آبدیده محکم می‌کند؛ این جوانان را مستحکم می‌کند؛ آنها را خلل ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.

بیانات در دیدار مردم قم: ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

تقوا سپر دفاعی تهاجم فرهنگی

اگر می‌بینید که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ اگر می‌بینید که تبلیغات دشمن در همه جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر می‌بینید که دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت‌بخصوص جوانان و مؤمنین را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد

شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الا المتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این راه یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دل‌هایشان را برد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بزنند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الا المتقین». تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس فرهنگ انقلابی

سیاست‌گذاری مسائل فرهنگی در آستانه‌ی تدوین برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم و به خصوص هدایت حرکت سازمان یافته برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و نیز ادامه‌ی گسترده‌ی کمی و کیفی دانشگاهها و مراکز تحقیق از جمله چیزهایی است که شان و نقش این شورای عالی را حساس‌تر می‌سازد و تقویت آن با نیروهای تازه نفس را الزام می‌کند. از اینرو جناب‌عالی را که بحمدالله خود عنصری فرهنگی و معتقد و علاقه‌مند به تلاشهای اصولی در عرصه‌ی فرهنگ و دارای سوابق روشنی در این عرصه می‌باشید، به عضویت آن شورا منصوب می‌کنم. انتظار از جناب‌عالی و دیگر اعضاء محترم آن است که فرهنگ انقلاب و تحول فرهنگی را عزیزترین و اصلی‌ترین مطلوب خود دانسته، همه‌ی تصمیم‌گیرهای آن شورای عالی را با این شاخص انجام دهید.

انتصاب حجت‌الاسلام سید احمد خمینی به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۲۰/۹/۱۳۷۱.

امر به معروف و نهی از منکر واجب فراموش شده

چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها

دفاع کند! این جوان با اخلاص می تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتیم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان های عاشورا؛ ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

جهاد فرهنگی؛ پشتوانه جهاد نظامی و سیاسی

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است. هیچ کدام را شما مغفول غنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نمی‌رسد. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را - اگر حل شد - حل کنند. کسانی که اهل حقند، این طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی اینها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نگه خواهد داشت.

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان؛ ۱۳۹۹/۰۱/۲۲

وحدت لازمه جهاد

اگر بخواهید جهاد کنید، وحدت می‌خواهید. منظور ما از وحدت، هماهنگی و یکنوایی و هم‌صدایی است، تا برادران دیگر در مقابل هم

قرار نگیرند و لوله‌های تفنگ، از دشمن به دوست منصرف نشود. اگر این شاء الله این هماهنگی باشد، خدا هم کمک خواهد کرد. «من كان لله كان الله له». این را صادق مصدق گفته است و ما نمی‌توانیم در آن شکی داشته باشیم. برای خدا باشیم، تا خدا هم برای ما باشد. «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا». این حرفها، معلوم و واضح است و مطالبی بوده که همیشه ماها می‌گفتیم؛ حالا در عمل باید تجربه بکنیم و به آن عمل نماییم. گفتن، دیگر کافی است.

بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان؛ ۱۳۶۹/۰۱/۲۲.

مجاهدت فرهنگی پیام انقلاب به دلهای مشتاق

هیچ ملتی و کشوری بدون مجاهدت بهترین فرزنداناش نتوانسته است از شر سلطه‌ی بیگانگان که زشت‌ترین خفت و خواری برای یک ملت است، خود را نجات دهد. امروز هم مجاهدت جوانان و برگزیدگان در میدانهای دیگر لازم است: در میدان علم و معرفت، در عرصه‌ی تلاش برای خودسازی معنوی و اخلاقی در صحنه‌ی مجاهدت فرهنگی، در رساندن پیام نجات‌بخش انقلاب به دلهای مشتاق، در ایجاد امید و مبارزه با دیو یأس، در مبارزه با تبلیغات دشمنان مستکبر، در استوار کردن وحدت ملی و نزدیک کردن دلها به یکدیگر.

پیام به مناسبت برگزاری مراسم معنوی میهمانی لاله‌ها؛ ۱۳۷۸/۱۱/۱۴.

توجه ویژه جوانان به راههای مقابله با جنگ نرم

در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت کند. چگونه مقاومت کند؟ اولاً معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست.

البته من امروز از این حرفهائی که زدند، حقیقتاً لذت بردم؛ حرفهای خوب، حرفهای پخته، تعبیرات جالفتاده، جمله‌بندی‌های درست؛ این خوشحال‌کننده است. من می‌خواهم بگویم هرچه میتوانید، اولاً در این بخش کار کنید. سطح معرفت را بالا ببرید. با قرآن، با نوشتجات مرحوم

شهید مطهری، با نوشتجات فضایی بزرگی که خوشبختانه امروز در حوزه‌های علمیه حضور دارند، آشنا شوید. امروز فضایی جوانی در حوزه‌های علمیه هستند که میتوانند در این قسمت به مجموعه‌ی جوانهای دانشگاهی یاری بدهند؛ کمالینکه کارهای خوبی هم دارد انجام میگیرد. سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است. نظارت و توجه به اوضاع کشور، نگاه مستفسرانه و دنبال پیدا کردن واقعیت، همراه با انتقاد. قبلاً هم عرض کردم که انتقاد هیچ اشکالی ندارد. نگاه منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛ بی انصافی نشود. آدم گاهی می بیند در بعضی از انتقادات، بی انصافی میشود. حالا شما یک خرده تندید و جوان هم هستید و آدم خیلی هم توقع ندارد؛ اما آنهایی که ریش و سبیلشان سفید هم شده، گاهی اوقات انسان می بیند که بی انصافی میکنند؛ در بیان کردن و گفتن و حرف زدن نسبت به این و آن، بی ملاحظگی میکنند. مراقبت کنید بی انصافی نشود. بنابراین نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریتها، جزو کارهای بسیار لازم است؛ البته باید با عقلانیت و با ملاراه همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه. به نظر من این هم کار لازم دیگری است.

ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام هم کار لازمی است که یکی از دوستان در اینجا مطرح کردند؛ بنده هم تأیید میکنم. امروز در دنیای اسلام، در ذیل بیداری اسلامی، مجموعه‌های دانشجویی حالا چه جور تشکلی اند، شاید همه‌شان یکسان هم نباشد مجموعه‌های فعالی هستند، قبلاً هم فعال بودند؛ بعضی‌هاشان در این حرکتها نقش آفرینی اساسی کردند. به نظر من با اینها ارتباط داشته باشید. دستگاه‌های گوناگون کشور در این زمینه باید به شما کمک کنند؛ البته ما هم سفارش خواهیم کرد. یکی از دوستان گفتند که چهار پنج ماه گذشته، اما شورای عالی سایبری کاری انجام نداده. من عرض میکنم این قضیه، قضیه‌ی چهار پنج ماهه نیست؛ این قضیه، قضیه‌ی چند ساله است. این کاری که ما شروع کردیم،

توقع خود بنده این است که بعد از چهار پنج سال ان شاء الله نتایجش را ببینیم. اینکه شما حالا توقع داشته باشید که بعد از پنج شش ماه آدم ببیند که مسائل سایبری کشور اصلاح شده و شبکه‌ی اینترنت ملی به وجود آمده و فلان؛ نه، به این زودی‌ها اینها جواب‌ده نیست؛ بالاخره از همین امکانات موجود باید استفاده کرد. عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله‌ی سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام میگیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه میتوانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطباتان زنده نگه دارید. با امید است که میشود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیتها کاملاً ما را به درستی آن نوید میدهد.

بیانات در دیدار دانشجویان؛ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.

مجاهدت علمی، سیاسی و قدرتمندانه

بدیهی است که کانونهای زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملتهای مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند. روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسلهای پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه‌ی اسلام را خواهند چشید. این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حق روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده‌ی خویشند. انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تأیید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد: اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير. پیام به کنگره‌ی عظیم حج؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۸.

تلاش مضاعف فرهنگی برای اسلامی‌سازی فرهنگ

قبل از انقلاب، آن کسانی که توان کارهای تبلیغی، دینی را داشتند، به

قدر تلاش خودشان کارهایی می کردند؛ امروز آن تلاشها باید هزاران برابر شود نمی شود گفت ده برابر و صد برابر امروز یک نظام و دولت به این عظمت با امکانات به این فراوانی که در اختیار ماست باید این مردم را مثل سیل به سمت اسلام، به سمت اهداف و مبانی اسلامی پیش ببرد. اگر ما عازم باشیم و تصمیم داشته باشیم، چه چیزی می تواند جلومان را در این میدان سد کند؟ لذاست که من حقیقتاً از بعضی بخشهای دولتی گله دارم و گله‌ی خودم را گفته‌ام. من معتقدم کم کاری انجام می گیرد. بنده یکبار در این جلسه دو سه سال قبل مطلبی را به آقایان عرض کردم؛ گفتم: مقصود این نیست که ما آن تفکر نقطه‌ی مقابل خودمان را قلع و قمع کنیم؛ ما که اهل قلع و قمع فکر نیستیم. اصلاً دنبال این نیستیم و معتقد نیستیم که قلع و قمع یک فکر، اولاً ممکن است و ثانیاً مفید است.

ما معتقدیم که باید یک فکر، مطرح هم بشود، گفته و نوشته هم بشود؛ ولی ما که صاحب فکر درست و منطق و استدلال صحیح هستیم، با منطق و استدلال نشان دهیم که این فکر، غلط است.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

صف آرای فرهنگی در مقابل اندیشه‌های معارض

باید در مقابل اظهارات فکری چه در زمینه‌ی سیاسی و چه در زمینه‌ی اسلامی که مخالفین و دشمنان اسلام و مقابله‌کنندگان با اسلام و مسلمین و نظام اسلامی مطرح می کنند، کار شود. اگر مشاهده شود که کسانی حقیقتاً وارد میدان می شوند و صف آرای فرهنگی می کنند، بنده خوشحال می شوم که آن حرفها بیش از آنچه که حالا گفته می شود، گفته شود. منتها مهم این است که ما این صف آرای را مشاهده کنیم. وزارت ارشاد، وزارت آموزش عالی، وزارت بهداشت و درمان، وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات و صدا و سیما بایستی نشان دهند که یک صف آرای دارند.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

آرایش فرهنگی؛ آرایشی دینی، اسلامی و انقلابی باشد

آرایش نیروهای فرهنگی بایستی یک آرایش دینی، اسلامی و انقلابی باشد؛ این بُرورگرد ندارد. این غلط و خطرناک است که ما ناگهان احساس کنیم آرایش ما به وسیله‌ی نیروهای دشمن به هم خورده و ما خودمان همدیگر را نمی‌شناسیم؛ مثل میدان جنگ! شما ناگهان نگاه کنید، ببینید به جای اینکه نیروی شما در مقابل دشمن سنگر بگیرد و خاکریز درست کند، خاکریزهایش تا دل دشمن رفته و خاکریز دشمن هم تا دل شماست و قاطی هستید! احياناً شما در مقابل بعضی از خودی‌ها خاکریز زده‌اید! این انسان را نگران می‌کند. من امروز از این نگرانم.

بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۷۸/۰۹/۲۳

تقویت فرهنگ ابتکار و تلاش

یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمیشود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلتها بود.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله

ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، میتوانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم میدهید؛ این میشود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، میتوانید در این جهاد سهیم باشید.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه: ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

توجه به فرهنگ کار

کار فی نفسه مهم است؛ اما امروز به دو دلیل اساسی کار و کارآفرینی

مهمتر از همیشه است. اینی که گفتند کار در اسلام مهم است، خب این همه روایات فراوانی از ائمه (علیهم السّلام) در اهمیت کار، در فضیلت کار وارد شده که این کارهائی که شما ذکر کردید، نمونه‌هائی از همین چیزی است که مورد فضیلت است، که حالا من این روایت را اینجا یادداشت کردم: «من يعمل یزدد قوّه و من یقصر فی العمل یزدد فتره»؛ کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایش خودِ نیروی کار، نه محصول کار. خب، محصول کار که معلوم است افزایش پیدا میکند- وقتی کار کردید، کار یک محصولی دارد- اما در این روایت، امیرالمؤمنین (علیه السّلام) میفرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. «و من یقصر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فتره» یا «فتره»، فتور و سستی او افزایش پیدا میکند. این مال شخص فقط نیست؛ این «من» که فرمود: «من يعمل»، معنایش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست: هر ملتی، هر جامعه‌ای. هرچه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر میشود. هرچه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر میشود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره‌ی کار این همه حرف هست، که از جمله حالا این روایت را من اینجا خواندم. لکن امروز گفتیم به دو دلیل کار و طبعاً کارآفرینی اهمیت بیشتری دارد.

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور؛ ۱۳۸۹/۰۶/۱۶.

تقویت فرهنگ کار

در زمینه‌ی اقتصاد فعالیت‌های زیادی شده، باارزش هم هست؛ اما مسئله‌ی اشتغال حل نشده است، مسئله‌ی تورم حل نشده است، مسئله‌ی فرهنگ کار حل نشده است، مسئله‌ی ساعات مفید کار حل نشده است. فرهنگ کار باید در کشور یک جوّی باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در ملت و مقدار کاری که انجام میدهند. باید کار کرد. با بیکاری و بی میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت.

بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۹۰/۰۵/۱۶.

لزوم توجه به روح کار نه نفس ومادهی کار

نفس و مادهی کار، تعیین کننده نیست؛ روح کار تعیین کننده است. صرف اینکه بازویی حرکت می کند و چرخشی را می چرخاند، این ارزش آفرین نیست. ارزش معنوی و اخلاقی مهم است. باید دید این چرخ برای چه می گردد، برای که می گردد و در خدمت چه چیزی است؟ صرف اینکه کلاسی تشکیل می شود و معلّمی به آنجا می رود و از جان و دل خود مایه می گذارد و با حلّی تنیده ز دل و بافته ز جان، شاگرد را تربیت می کند و کلمه به کلمه روح او را با معارف و معلومات آغشته می نماید، کافی نیست که ارزش درست کند. باید دید آن مادهای که آموزش داده می شود، چیست، هدف و جهت چیست و این تعلیم و تربیت به چه سمت و سویی انجام می گیرد. عزیزان من! این مهم است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور: ۱۳۷۵/۰۲/۱۲.

وجود کار و کارگر رمز استقلال ملت و کشور

یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملت و کشور که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفند بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها». یعنی هرکس کار حسنه ای انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می دهد. این کار، همان حسنه است. یا معلم احساس کند که اگر ما گفتیم ایرانی مسلمان باید بر روی پای خود بایستد، یعنی این رشته های بردگی را که در طول دو، سه قرن به گردن و دست و پای او بستند، باز کند و این فرهنگ غلط استعماری را که می گفتند: «ایرانی نمی تواند کار بکند»، از بین ببرد. آن روزی که می خواستند نفت را در این مملکت ملی کنند، یکی از رجال پهلوی گفت: «ایرانی نمی تواند یک لولهنگ بسازد، چطور می خواهد نفت را اداره کند؟!»، این، همان فرهنگی است که خود استعمارگران به ملت های مسلمان و استعمارزده و به ملت ما تلقین و القا کردند که از شما کاری

برنمی‌آید؛ صنعتتان را هم باید ما درست کنیم، کشاورزیتان را هم باید ما اصلاح کنیم، برای مدارستان هم باید ما برنامه‌ریزی کنیم، دولتتان را هم باید ما بگردانیم! ذلتی که خاندان پهلوی (لعنة الله عليهم) و خاندان قاجار (لعنة الله عليهم) بر سر این مملکت آوردند و بر این ملت تحمیل کردند، ما را صد سال عقب انداختند. اگر بخواهیم این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار بگیرد، آیا جز با تربیت نیروی انسانی کارآمد، امکان‌پذیر است؟ چه کسی این تربیت را خواهد کرد؟ این سنگ علی‌الظاهر تیره، یا این فلز علی‌الظاهر گرفته را چه کسی خواهد تراشید و صیقل خواهد داد، تا به تیغ برنده‌ای تبدیل بشود و همه کار انجام بدهد؟ معلم. این، نقش معلم است. هرکس که در جمهوری اسلامی مشغول کار است به معنای اعم کاز: کار فرهنگی، کار اقتصادی و کار خدماتی صحیح و مفید باید بلداند که حسنه انجام می‌دهد و برای خدا کار می‌کند، پس عمرش به بیهودگی تلف نشده است.

شما یک روز که کار کنید، یک روز در دیوان الهی ذخیره کرده‌اید، یک روز به ملت فایده بخشیده‌اید، و یک روز به سیر تکاملی جامعه مدد رسانده‌اید. این، فرهنگ اسلام است؛ نه آنکه متأسفانه در بعضی از برنامه‌های هنری و رادیو و تلویزیون ما، انسان می‌بیند که کسی بعد از سی سال کار، احساس می‌کند که کارش به هدر رفته و عمرش تلف شده است! این فرهنگ، فرهنگ اسلامی و قرآنی نیست. اگر سی سال درست کار کردید، سی سال این جامعه را جلو برده‌اید و سی سال پیش خدا ذخیره کرده‌اید. اگر درست کار کردید، سی سال خودتان جلو رفته‌اید. این، فرهنگ قرآنی و اسلامی است. همین فرهنگ باید در هنر ما هم منعکس بشود. این مفاهیم باید در نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها، سینما، تلویزیون و رادیوی ما انعکاس یابد. من نمی‌دانم این دستگاه رسمی هنری ما، کی می‌خواهد با اعماق تفکر اسلامی آشنا بشود. می‌نویسند، غلط! اجرا می‌کنند، غلط! در قالب‌های هنری حرف می‌زنند، غلط! چرا؟! منطق اسلام این‌طور نیست. اسلام می‌گوید، شما کارگر که خوب و با وجدان و با

نیت حَسَن کار می‌کنید، شما معلم که برای احساس مسئولیت درس می‌دهید، شما کارمند که برای پیشبرد جامعه و گشودن گره‌های جامعه کار می‌کنید، هریک ساعت کارتان، ذخیره و حسنه‌ای در پیش پروردگار است؛ هریک ساعت کارتان، این ملت را یک ساعت جلو می‌برد. انسان از چنین کاری، دیگر خستگی و کسالت پیدا نمی‌کند. معلمان، کارگران، کارخانه‌ها و مزارع، صنعتگران، محققان، کارمندان دستگاه‌های اجرایی، مدافعان از حریم امنیت کشور، و هرکسی که در هر نقطه‌یی از این کشور اسلامی مشغول چنین کاری است، باید بلدانند که در حال عبادت است. نکته‌ی مهم این است که مسافر وقتی در منزل بین راه برای گذراندن یک مرحله فرود می‌آید، اگر احساس بکند که دیگر کارش تمام شده، این مسافر در راه مانده است؛ این را در یاد داشته باشید.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان: ۷۰/۲/۱۱.

مسئولیت‌پذیری متعهدانه نسبت به انجام امور

در اسلام که کار، عبادت و ارزش شمرده شده است، لازمه‌اش این است که هرکس کاری را قبول کرد و تعهد نمود، آن را به بهترین وجهی انجام دهد. این حرف، سر کلاس درس و پای خط تولید و داخل مزرعه و پای چرخ خیاطی و کار داخل خانه هم هست. در هر نوع کاری که به این حساب، معلّمی و تربیت و تعلیم هم یک کار است؛ آن هم یک کار بسیار ارزشمند اگر کننده‌ی کار، وجدان کاری داشته باشد، آن کار به بهترین شکل انجام خواهد یافت. این، آن چیزی است که کلید مشکلات کشور است. اگر شما فلان جنس را می‌خرید و به منزل می‌برید و مشاهده می‌کنید که بعد از مدّت کوتاهی خراب شد و کاری که روی آن شده، کار درستی نبوده است یعنی بی‌اعتمادی به کاری که انجام می‌شود در صورت وجود وجدان کاری، این دیگر برخواهد افتاد. کسی فرزند خود را به مدرسه بفرستد و نداند که او در مدرسه تبدیل به چه چیزی و چگونه عنصری خواهد شد؛ این دیگر نخواهد بود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان: ۱۳۷۶/۲/۱۰.

توجه ویژه به فرهنگ

از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت‌بندی‌ها این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد و آن‌ها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسأله‌ی فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه‌ی ما با فرهنگ‌سازی حل می‌شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه‌ی فرهنگی دارد کار می‌کند. این جنگ‌های روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن‌ها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسئله‌ی فرهنگ است. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت‌ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله‌ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت‌ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان‌های فرهنگی و عامل‌های فرهنگی- هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه- در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه‌ی تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت و در

آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان: ۱۳۸۶/۰۶/۰۴